# کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲ بهمن ۱۳۷۰ - ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۲۷


## کناره‌گیری بن جدید و تعویق انتخابات در الجزایر

روز شنبه ۲۱ دی ماه، شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر طی یک سخنرانی تلویزیونی کناره گیری خود را اعلام کرد وگفت بخاطر منافع کشور از ریاست جمهوری استعفا می‌دهد. بلافاصله پس از کناره‌گیری بن جدید که بنا به گزارشهایی تحت فشار مقام‌های عالی رتبه ارتش الجزایر صورت گرفت، ارگانی بنام ''شورای امنیت'' به ریاست غزالی نخست وزیر، زمام امور را به دست خود گرفت و اعلام کرد مرحله دوم انتخابات پارلمان الجزایر که قرار بود روز ۲۶ دی برگزار شود، به تعویق می‌افتد. در مرحله اول انتخابات، حزب بنیادگرای ''جبهه نجات اسلامی'' توانسته بود از ۲۰۶ کرسی مجلس که سرنوشت آن در مرحله نخست

بقیه در رصفحه آخر

## انجمن‌های فرهنگی بدون مجوز ممنوع شدند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی اطلاعیه‌ای از انجمن‌های فرهنگی و هنری خواسته است که جهت ثبت قانونی خود اقدام نمایند. این وزارتخانه اخطار کرده است که این قبیل انجمن‌ها بدون ثبت و کسب تایید اجازه ادامه فعالیت نخواهند داشت.

در چند ساله اخیر به همت هنرمندان و فرهنگ دوستان در سطح کشور شمار فراوانی انجمن فرهنگی و هنری بنیاد گذاشته شد آنها با تاسیس کلاس‌های آموزشی، برپائی جلسات گفتگو و مباحثه و اجتماعاتی برای انجام مراسم هنری و یا سخنرانی می‌کوشند فرهنگ و هنر را پاس دارند. در شرایطی که رژیم هنر ستیز، محدوده فعالیت‌های هنری را هر

بقیه در صفحه ۳

## الجزایر: پایان یا آغاز فاجعه؟

در الجزایر نیز تجربه ایران تکرار شد. سه دهه حکومت تک حزبی، دیکتاتوری توام با فساد و سوء مدیریت و ممانعت از رشد فرهنگ سیاسی و آگاهی اجتماعی در شرایط آزاد و سالم در الجزایر، همانند زمان رژیم شاه در ایران، منجر بدان شد که این کشور در نخستین گام تجربه دمکراسی با فاجعه روبرو شود. آنچه از صندوقهای رای در نخستین انتخابات الجزایر بیرون آمد براستی یک فاجعه بود. پیروزی چشم‌گیر عقب مانده‌ترین موجودات تحت عنوان کاندیداهای ''جبهه نجات اسلامی'' در انتخابات الجزایر ثمره مستقیم ۳ دهه دیکتاتوری و انحصار طلبی جبهه آزادی بخش ملی الجزایر بود. حکومتی که همانند رژیم شاه مانع از جریان و تقابل آزاد افکار و اندیشه‌ها، پاگیری و رشد احزاب سیاسی و فرهنگ دموکراتیک در جامعه شد و آنجا که در اثر وخامت اوضاع و تشدید بحران دیگر از ادامه حکومت به شیوه سابق ناتوان ماند، کشور را در آستانه سیطره نیروهایی قرار داد که همانند حکام مرتجع ایران ارمغانی جز سیاهی و تباهی برای مردم الجزایر در چنته ندارند. تنها تفاوت الجزایر با ایران این است که در الجزایر حکام آنکشور در تدبیری که ادامه راه و روش حکومت ۳۵ ساله گذشته است ظاهرا در صدد مهار فاجعه برآمده‌اند، اما همانند ایران شاه آنقدر بر حفظ دیکتاتوری و تاج و تخت خود پای فشرد که امواج طغیان، هم او و هم آرزوهای سالیان دراز مردم ایران برای زیستن در آزادی را زیر آوار سیاهی و تباهی، و وحشت و ترور مدفون ساخت. البته هنوز معلوم نیست درباره الجزایر نیز چنین نشود.

بی هیچ تردیدی باید گفت در الجزایر عوام‌فریبانی، از صندوقهای رای بیرون آمدند که دمکراسی را ''ارزش کفر آمیز غربی'' تلقی کرده و در پی استقرار حکومتی هستند که همانند ایران امروز، جز حکومت وحشت و ترور، و زور و خفقان نخواهد بود. اما اقدام عناصری از حکومت سابق برای ابطال نتایج انتخابات الجزایر و تعویق دور دوم آن نیز نه حقانیت دارد و نه چاره ساز است. این اقدام نه تنها سایه ابر سیاهی که هم اکنون آسمان الجزایر را تار نموده نخواهد زدود، بلکه زمینه را برای عوام فریبی بیشتر مرتجعین سیاه فکر مساعد ساخته و این کشور را در مقابل مخاطرات تازه‌ای قرار خواهد داد. ما حق مردم برای انتخاب راه، در کنار حق آزادی فعالیت احزاب و مطبوعات، رعایت بی قید و شرط موازین حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد و محدودیت زمانی قدرت، اجزای مسلم و تفکیک ناپذیر دمکراسی می‌دانیم و تخطی از هر کدام از آنها را تحت هر عنوانی، تخطی از اصول دمکراسی تلقی می‌کنیم. ابطال نتایج انتخابات الجزایر اگر در عین التزام ''جبهه نجات اسلامی'' به رعایت حق فعالیت آزاد اپوزیسیون صورت گرفته باشد، اقدامی است غیر دمکراتیک و غیر قابل پذیرش.

راه غلبه بر بحران الجزایر راه استقرار حکومت اسلامی یا تعلیق فعالیت قانونی احزاب و برقراری حالت فوق‌العاده با تکیه بر نیروی ارتش نیست. راه طی شده در ۳ دهه پس از استقلال الجزایر نشان می‌دهد که بحران و بن بست‌های موجود در برابر رشد و توسعه آن کشور، تنها در فضای تحمل همدیگر و با التزام بی قید و شرط همه نیروهای سیاسی و اجتماعی به موازین و پرنسیب‌های دموکراتیک در حیات سیاسی آنکشور قابل حل است. گامهای نخستینی که الجزایر در یکی دو سال اخیر در ایجاد فضا برای حضور و کنش و واکنش آزادانه جریانات گوناگون سیاسی برداشت تنها مسیری بود که در صورت گسترش و تثبیت آن به رهیافت در غلبه بر مشکلات آنکشور می‌انجامید و باید متاسف شد که در کنار سکوت و عدم واکنش فعال حدود نیمی از اهالی آن کشور، بخش بزرگی از مردم الجزایر تحت تاثیر عوام فریبان در خدمت خشکاندن نهال نوپای دمکراسی در کشورشان قرار گرفتند.

# حقیقت و حقانیت!

- پرز دکوئیار، حقیقت آغاز جنگ ایران و عراق را اعلام کرد.
- رژیم جمهوری اسلامی، ریاکارانه از اعلام این حقیقت، حقانیت خود را نتیجه می‌گیرد.
- حقانیت نیروهای واقعی صلح، یک حقیقت خدشه ناپذیر است.

خاویر پرز کوئیار، دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد، پیش از آنکه مقام خود را به جانشین اش بسپارد، در آخرین گزارش خود به شورای امنیت صراحتا عراق را مسئول شعله‌ور شدن آتش جنگی شناخت که در آخرین روز تابستان سال ۱۳۵۹ مشتعل شد و لهیب آن مردم دو کشور ایران و عراق را به خاکستر نشاند. بدین سان آنچه که در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مسکوت مانده بود، سرانجام با عمل دیر هنگام آقای پرز کوئیار به وظیفه خود در قبال ماده ۶ این قطعنامه، صراحت یافت و حقیقتی عیان از زبان عالی‌ترین مقام مرجع بین المللی به بیان درآمد. قطعنامه ارزشمند ۵۹۸ از چنبره ابهام چندین ساله بیرون آمد و اصالت خود را به تمامی نشان داد. حقیقت اظهار شد و حق پیروز گردید.

جای دریغ است که چرا این وجدان رسمی بین المللی سالها تسلیم مصلحت‌های سیاسی قدرتهای بزرگ شد و حقیقت را به تمامی نگفت. اگر چه جای تقدیر دارد که آقای پرز کوئیار نخواست که حقیقت ناگفته، سازمان ملل متحد را ترک گوید. از همان آغاز روشن بود که علیرغم برخوردهای ماجراجویانه سیاسی و نیز تحریکات نظامی رژیم نوپای جمهوری اسلامی در مرزهای عراق، این ارتش تحت قیادت صدام حسین بود که در نیم روز ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ از زمین و هوا به میهن ما هجوم آورد و در رویای ''قادسیه دوم'' جنگی خانمان برانداز بین دو کشور همسایه را آغاز کرد.

درک این نکته البته اهمیت دارد که اکنون در شرایط بین المللی خاصی است که در

بقیه در صفحه ۲

## این همه خرید تسلیحاتی رژیم برای چیست؟

هفته‌های اخیر برخی روزنامه‌های غربی و بدنبال آن خبرگزاری‌ها از خریدهای تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی و همینطور ادامه تلاش رژیم برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای خبر دادند. دو هفته پیش روزنامه آمریکائی لوس انجلس تایمز با درج گزارشی نوشت که جمهوری اسلامی سرگرم خرید مخفیانه سلاح و تکنولوژی هسته‌ای از جمهوری‌های شوروی سابق و کره شمالی است. بدنبال آن سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد جمهوری اسلامی ظرف یکسال گذشته یک میلیارد دلار از جمهوری‌های شوروی سابق اسلحه خریده است و گفت واشنگتن در سفر ماه جاری جیمز بیکر به مسکو این مسئله را با مقامات روسی در میان خواهد گذاشت.

همچنین این اواخر هر از گاهی شایعه مربوط به تلاش جمهوری اسلامی برای جلب و جذب کارشناسان هسته‌ای جمهوری‌های سابق شوروی و خرید تکنولوژی هسته‌ای از آنها و نیز چین و کره شمالی شنیده می‌شود. اما جمهوری اسلامی این اخبار و گزارشات را تکذیب کرده و مدعی است که ''ایران تمام توجه و توان خود را بر روی بازسازی ویرانیهای جنگ هشت ساله متمرکز کرده است.'' نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای در واکنش نسبت به این گزارش‌ها ''دلیل چاپ این گزارش‌های کذب در مطبوعات غرب را تلاش برای ایجاد نگرانی در افکار عمومی جهان'' قلمداد کرده و میگوید ''این گزارش‌ها به منابعی استناد می‌کنند که به هیچ وجه قابل تحقیق و شناسائی نیستند.'' اما در ادامه بیانیه با این عنوان که ''تقویت و گسترش توان نظامی در منطقه ناشی از عدم توازن توا و تهدیداتی است که احساس می‌شود'' صحت گزارشات مربوط به خریدهای تسلیحاتی رژیم را تایید می‌کند. خامنه‌ای نیز در واکنش تندی می‌گوید: ''اگر تهیه سلاح جرم محسوب میشود چرا امریکا و هم پیمانانش با وام دادن و کمک کشورهای زیر نفوذ خود میلیاردها دلار سلاح می‌فروشند.'' اما این واکنش خامنه‌ای نیز چیزی جز توجیه اقدامات رژیم در قالب یک پز

بقیه در صفحه ۳

## ۱۹ بهمن را گرامی بداریم

بیست و یکمین سالروز جنبش فدائیان فرا می‌رسد. ۲۰ سال پیکار را پشت سر می‌نهیم. با فراز و فرودهای بسیار. اما همواره وفادار به مردم و آرمان‌های بزرگ آنان صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت. در این ۲۰ سالی که گذشت به زندان افتادیم، شکنجه شدیم، محرومیت‌ها کشیدیم، از میهن در بدر شدیم، بسیاری از بهترین یارانمان را در سیاهچال‌ها و در میدان‌های اعدام از دست دادیم. زیرا که نخواستیم در برابر ظلم و ستم از پای بنشینیم و ایران و جهان را انسانی‌تر می‌خواستیم و می‌خواهیم.

سال‌های نزدیک گذشته دشوارترین سال‌های حیات‌مان بود. در معرض طوفان‌های مهیب در میهن‌مان و در پهنه گیتی قرار گرفتیم، از یاران بسیاری محروم شدیم، شکست‌های بسیار دیدیم و تجارب فراوان آموختیم. اما همواره به آن اهداف و آرمان‌های انسان دوستانه‌ای که با آن آغاز کردیم وفادار ماندیم و خود را جزیی از زحمتکشان ایران، در کنار آنها و برای آنها دانستیم.

در بیست و یکمین سالگرد جنبش، آنچه که پابرجاست پرچم پیکار ما بخاطر سعادت مردم ایران و تلاش برای خوشبختی بشریت است. آرمان ما دموکراسی و عدالت اجتماعی و تحقق ارزش‌های انسانی و سوسیالیستی در کشورمان و در سراسر جهان است. ما به این آرمان پای بندیم و وفاداری خود را از آن می‌دانیم.

به پیشواز بیست و یکمین سالگرد تشکیل جنبش فدائیان خلق ایران برویم. در هر جا که هستیم و هرگونه که می‌توانیم، ۱۹ بهمن را گرامی داریم.

## تهاجم فرهنگی غرب یا بحران فرهنگی رژیم؟

در سخنرانی که خامنه‌ای چندی پیش در برابر اعضای ''شورای عالی انقلاب فرهنگی'' ایراد کرد، مجددا خطر ''تهاجم فرهنگی'' علیه رژیم را گوشزد کرده و از مسئولین امر خواست که این خطر را جدی بگیرند. وی گفت:

''مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تاکید کرده‌ایم یک واقعیت روشن است. ما با انکار آن نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. نباید تهاجم فرهنگی را انکار کرد. تهاجم فرهنگی وجود دارد'' و ''ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است.'' خامنه‌ای در ادامه سخنان خود به تعریف ''تهاجم'' مورد نظر پرداخت و گفت: ''ما نباید چیزی را که در دانشگاهها و در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتابهایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی دنیا که ظاهرا هم به ما ارتباط ندارد، وجود دارد... انکار کنیم. در همه جا یک آرایش فرهنگی بسیار خطرناکی علیه انقلاب وجود دارد.''

آنچه که خامنه‌ای آنرا ''تهاجم فرهنگی دشمنان'' می‌نامد و می‌کوشد آنرا به غرب نسبت دهد، جریان فرهنگی گسترده‌ای است که شعرا، نویسندگان، فیلمسازان و سایر هنرمندان و نشریات فرهنگی و ادبی کشور ایجاد کرده‌اند و به جنبش روشنفکری مشهود شده است. جریانی که بیانگر فرهنگ و هنری پیشرو و مترقی است و تهمت وابستگی آن

بقیه در صفحه ۳

## پیرامون لایحه بودجه ۷۱
## مملکرد دولت رفسنجانی از زبان نمایندگان مجلس

در صفحه ۵

## دولت ترکیه در صدد تحویل دهها پناهنده ایرانی به حکومت اسلامی است

بنابه گزارشات رسیده دولت ترکیه ۶۰ تن از هموطنان ما را در شهرهای آنکارا و استانبول دستگیر کرده و قصد تحویل آنها به جمهوری اسلامی را دارد. این عده که بدلایل مختلف از ایران خارج شده و قصد پناهندگی به کشورهای دیگر را داشته‌اند خود را به کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد در ترکیه معرفی کرده و پناهندگی آنها از سوی این کمیساریا پذیرفته شده است. گفته می‌شود که تقاضای گروهی از افراد دستگیر شده برای پناهندگی به کشورهای اسکاندیناوی، از سوی آن کشورها نیز مورد موافقت قرار

بقیه در صفحه ۴


ضمیمه

کار

طرح پیشنهادی

برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد

در صفحات داخلی


www.iran-archive.com

# حقیقت و حقانیت!

بقیه از صفحه اول

حقیقت: نقش رژیم صدام در تجاوز به ایران و آغاز جنگ با ایران اعتراف می‌شود. اما مهمتر آن است که تاریخ دیر یا زود حقیقت را میگوید. از همان بدو انتشار قطع‌نامه ۵۹۸ و حتی عملا بر زمینه عملی آن یعنی بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از خرمشهر به همت نیروی مقاومت ایرانی، نیروی واقعی صلح در کشورمان مسئولانه و بردبارانه و ضمن تاکید بر ضعفها و نواقص این قطع‌نامه، بر پذیرش و اجرای آن رای دادند. آنها با ایستادن بر حقیقت موجود در قطع‌نامه ۵۹۸ که پیش از همه در ماده قطع بی‌قید و شرط جنگ متجلی بود، تصریح کردند که می‌توان در طی زمان بر زمینه مذاکرات صلح و بسیج کلیه امکانات صلح در دو کشور و جهان، همه حقایق را روشن کرد و حقانیت‌ها را نشان داد. اما این احساس مسئولیت‌ها از سوی رژیم جمهوری اسلامی و شخص خمینی با نعره "جنگ جنگ تا پیروزی" مورد ملامت و شماتت و بعد هم سرکوب بی‌رحمانه روبرو شد. تاریخ نشان داد که حق با کیست، حقیقت چیست و راه اثبات حقانیت کدام است. واقعا نفرت آور است وقتی که دیده می‌شود که رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی چگونه به تحریف تاریخ بر می‌خیزد و چه سان شیادانه می‌خواهد از اعلام حقیقت توسط پرزیدنت کوئیار، حقانیت خود را نتیجه بگیرد و بر تبهکاری‌های خود نام پیروزی نهد.

* * *

تبلیغات پر سرو صدای جمهوری اسلامی پیرامون گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد جنگ ۸ ساله ایران و عراق هم چنان ادامه دارد. رژیم انتشار این گزارش را یک پیروزی بزرگ برای خود قلمداد کرده و می‌کوشد با اتکای به آن دلیل تازه‌ای برای ادامه ۶ سال جنگ ویرانگرانه خود فراهم آورد.

این "پیروزی" ادعایی به چه بهایی به دست آمده است؟ انتشار گزارش دبیر کل تا حدودی پاسخ به این سوال است. خسارات مستقیم جنگ ۹۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار و خسارات غیر مستقیم ۳۴ هزار و ۵۳۵ میلیارد ریال برآورد شده‌اند. در گزارش گفته شده که خسارات وارده به زیر بنا و نظام اقتصادی ایران بسیار سنگین و بخش اساسی آن غیر قابل محاسبه است. تاسیسات و صنایع نفت از سطح استانداردهای قابل رقابت جهانی بسیار عقب مانده‌اند. بخشهای صنعتی تنها از طریق جابجایی قطعات دستگاهها و استفاده از قطعات اوراق شده سرپا نگاه داشته شده‌اند. خاک کشاورزی در ۵ استان جنگی نابود و بایر شده است. بنادر خرمشهر و آبادان به طور کامل ویران شده است. صنعت حمل و نقل خسارات عظیم دیده. میزان خسارات به بخش مسکن "فراتر از تصور" است و... رژیم اسلامی اکنون به طمع دریافت غرامت و کمکهای بین المللی بخشی از نتایج ویرانگر جنگ را که سالها از مردم پنهان نگاه داشته بود فاش می‌کند و مدعی است که گزارش دبیر کل در مورد خسارات ایران ناقص و میزان خرابیها و ویرانی‌های جنگ فراتر از آنی است که در گزارش بازتاب یافته است.

بر همه ضایعات مادی و ویرانیهای اقتصادی که اکنون چانه زنی بر سر قیمت آنها جریان دارد باید تلفات جبران ناپذیر انسانی را افزود: یک میلیون کشته و مجروح. هزاران معلول جنگی، انواع بیماریهای روحی و روانی ناشی از جنگ، خانواده‌های متلاشی شده، انبوه مادران داغدار، فرزندان یتیم و بی سرپرست و... مردم ایران این فجایع و ویرانیهای عظیم را متحمل شدند تا چه چیزی به دست آورند؟

رژیم جمهوری اسلامی که چنته‌اش در پاسخ به این سوال همگانی -حتی در برابر هواداران خود- خالی است، از سر ناچاری اثبات "حقانیت" ایران در جنگ را دستاویز ساخته و مدعی است در قبال اینهمه ویرانی و تباهی "حقانیت ایران" در جنگ ثابت شده و این یک "پیروزی بزرگ" است که در نتیجه ۸ سال "مقاومت و پایداری" و ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر به دست آمده است.

جمهوری اسلامی این بار نیز مثل همیشه مسایل را به کلی وارانه جلوه می‌دهد و انتشار گزارش دبیر کل را ناشی از ادامه جنگ می داند تا بلکه بتواند آنرا به مرهمی برای زخم عمیق و التیام نیافته‌ای که از ۶ سال ادامه جنگ در مردم ما ایجاد شده تبدیل سازد. سران رژیم که شعارهای دیروزین خود را به دست فراموشی سپرده‌اند، مزورانه این واقعیت را پنهان می سازند که آنها جنگ را نه با نیت "اثبات حقانیت ایران" بلکه با هدف صدور انقلاب اسلامی به عراق و تشکیل دولتی دست نشانده در آنجا ادامه دادند. وقتی در سال ۶۱ خرمشهر آزاد شد و رژیم عراق در پیشبرد نقشه تجاوز کارانه‌اش با شکست مواجه شد و تقاضای آتش بس و پایان جنگ را کرد، بزرگترین موقعیت و فرصت برای پایان شرافتمندانه جنگ فراهم آمد. ایران در شرایطی قرار گرفته بود که هم قدرت و هم حقانیت آنرا داشت که صلحی شرافتمندانه را بر رژیم صدام تحمیل کند. اما خمینی در پی رویای صدور انقلاب و تشکیل امپراطوری اسلامی با قطع جنگ مخالفت کرد و در سخنانی که تا ابد بعنوان سندی از جنایات بزرگ او باقی خواهد ماند، اعلام کرد که فقط در جنگ با عراق انتحار است و ایران باید عراق و سایر "کشورهای کوچولوی" منطقه را به خودش "متصل" کند. به دنبال فرمان خمینی بر آتش جنگ دمیده شد و رژیم اسلامی با رویای فتح عراق ۶ سال جنگ و خونریزی را ادامه داد و کار را به جایی رساند که در سال ۱۳۶۷ بار دیگر بخشهای وسیعی از خاک کشور ما در خطر تجاوز و اشغال ارتش عراق درآمد. در این شرایط که اقتصاد کشور ورشکسته، ارتش و نیروهای انتظامی در آستانه فروپاشی و مردم از ادامه جنگ عاصی شده بودند، خمینی مجبور شد با دست لرزان جام زهر را سر کشد و به آتش بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در اوج ناتوانی تن دهد. زیرا دیگر توان ادامه جنگ حتی برای جنگ طلبی چون او نیز باقی نمانده بود.

سازمان ما همراه با بسیاری از نیروهای سیاسی دیگر همواره بر این واقعیت پافشاری کرد که پس از آزادی خرمشهر و شکست نقشه‌های عراق، ادامه جنگ بی معنی و ارتجاعی است. ما از آن زمان خواهان قطع جنگ و آتش بس شدیم و با ادامه جنگ از سوی رژیم به مخالفت برخواستیم. اما رژیم خمینی هر فریاد صلح خواهانه‌ای را با خشونت تمام سرکوب کرد، هزاران میهن پرست را بدلیل مخالفت با ادامه جنگ و صلح خواهی به زندان افکند و شکنجه کرد و بسیاری را تیرباران نمود. این جنایات بیشمار مواردی است که در هیچ گزارش رسمی پیرامون جنگ به آنها اشاره نشده است.

جمهوری اسلامی اکنون با شرایط نسبتا مساعد بین المللی و فشاری که روی دولت عراق وجود دارد خواست دریافت غرامت را بمیان کشیده و نتیجه طبیعی گزارش دبیر کل را پرداخت غرامت به ایران می‌داند و برای جلب نظر کشورهای بزرگ در این مورد می‌کوشد. ما با غرامت طلبی از سوی رژیم اسلامی مخالفیم زیرا غرامت را باید مردم عراق بپردازند که اکنون بر اثر جنون جنگ طلبی صدام، گرسنه و قحطی زده، و در محاصره اقتصادی قرار دارند و اختیار منابع و ثروتهای ملی‌شان به دست امریکا و متحدانش افتاده است اگر عراق جنگ را آغاز کرد، جمهوری اسلامی آنرا ادامه داد. بخش عمده‌ای از ضایعات انسانی و خسارات عظیم مادی که در گزارش دبیر کل به آنان اشاره شده، محصول ۶ سال ادامه جنگ از سوی رژیم است و این رژیم نباید به خاطر جنایات و ویرانگری‌هایش پاداش دریافت کند.

www.iran-archive.com

اعلامیه گروه کار خارج کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره

## تشدید حرکات ضد خارجی نیروهای راست و نئوناز یست

تهاجم متشکل و گسترده احزاب نژادپرست و جریانات نئو نازیستی علیه حضور و حقوق مهاجران و پناهندگان مستقر در کشورهای اروپایی هر روز ابعاد هولناکتری به خود می‌گیرد.

مهاجران و پناهندگان بیش از هر زمان دیگر در محاصره جو تبلیغاتی مخربی قرار گرفته‌اند. با پیروزی احزاب راست در بسیاری از کشورهای اروپایی، نقض آزادی‌های دمکراتیک و تعرض علیه حقوق پناهندگان و خارجیان شدت گرفته و در پی آن زمینه‌های لازم برای رشد فعالیت‌های مجدد گروه‌های فاشیستی مهیا شده است.

به آتش کشیدن محل اسکان پناهندگان، ترور و ضرب و جرح آنان و مزاحمت‌های مکرر دیگر نتایج برآمده از این جو اند. جانیان نئو نازیست حتی از به آتش کشیدن پیکر بی‌دفاع کودکان خردسال نیز دریغ نورزیده‌اند.

نژاد پرستان در آلمان، به عنوان یک نمونه بارز، گسترده‌ترین حمله‌ها را علیه خارجیان سازمان داده‌اند. مطابق آمار مندرج در مجله اشپیگل "فعالیت‌های گوناگون علیه خارجیان از ۱۶ مورد در ماه ژانویه ۱۹۹۱ به ۱۰۶ مورد در ماه سپتامبر افزایش یافته است. ضرب و جرح و قتل خارجیان در ماه‌های مذکور از ۳ مورد به ۱۸ مورد فزونی یافته است. همچنین در این مدت ۶۰ مورد به آتش کشیدن اماکن مسکونی خارجیان با بمب‌های آتش زا به ثبت رسیده است."

هم اکنون احزاب راست حاکم در آلمان برای محدود ساختن قانون پناهندگان و حقوق آنان از همه جانب یورش آورده‌اند. این روزها در پارلمان این کشور بخش اعظم مباحث حول تغییر قانون پناهندگان و باز هم محدود کردن اندک حقوق باقیمانده آنان متمرکز است.

تهاجم نیروهای راست به دستاوردهای دموکراتیک و انسانی در سوئد، انگلیس، فرانسه، دانمارک، ایتالیا، هلند، سوئیس و... نیز به سمین روال پیش می‌رود. این اقدامات متقاضیان پناهندگی را در شرایط روحی دشواری قرار داده است.

کسانی که به دلایل ویژه سیاسی، اجتماعی، یا اقتصادی ناگزیر به این کشورها پناه آوردند هر روز شاهد فشار و تبعیضات بیشتری علیه حقوق خویشند و از آن فراتر قربانی موج ترور باندهای فاشیستی می‌گردند:

روزی دانشجوی ایرانی "جمشید رنجبر" را در استکهلم به ضرب گلوله از پای در می‌آورند، روزی دیگر در مونیخ دو جوان ترک را با شلیک گلوله و به ضرب کارد به قتل می‌رسانند، و در جایی دیگر دولت انگلستان پناهجویان کرد را به مسلخ عودت می‌دهد.

مهاجران و پناهندگان ایرانی!

تهاجم احزاب راست و نیروهای نئوفاشیستی از جانب مردم آزاده و نیروهای دموکرات کشورهای مربوطه بی پاسخ نمانده است:

شرکت هزاران نفر از مردم استکهلم در راهپیمایی به اعتراض علیه قتل جمشید رنجبر و دیگر اقدامات ضد خارجی در سوئد جلوه امیدوار کننده‌ای از همبستگی با خارجیان بود. همچنین موج گسترده اعتراض احزاب مترقی آلمان به تحریکات ضد خارجی، احزاب راست را به بعضی عقب نشینی‌ها و احتیاط بیشتر در سیاست‌هایشان واداشته است. اما این ثمرات بدون دفاع متشکل و جمعی مهاجران و پناهندگان از حقوق خود، قطعا نارس و نامطمئن باقی خواهد ماند.

برای مقابله با تضیقات و تجاوزات غیر انسانی احزاب راست و نژادپرست، نیروهایمان را گرد آوریم و پیوند خود را با پناهندگان سایر ملل مستحکم‌تر سازیم.

نیروهایمان را برای همکاری و اقدام مشترک با احزاب ترقیخواه و ضد فاشیست کشورهای میزبان متحدا بکار گیریم.

گروه تشکیلات خارج از کشور
س.ف.خ.ا. (اکثریت)
۶ ژانویه ۱۹۹۲

# تشدید ناآرامی‌ها در دانشگاه‌ها

بازداشت مصطفی رستم خانی دبیر انجمن اسلامی و لشگری عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر مشهد موجب تشدید ناآرامی‌ها در دانشگاه‌های کشور شده است. انجمن اسلامی این دانشگاه طی بیانیه‌ای اعلام کرده است: "از مقابل مسجد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و در برابر دیدگان متعجب دانشجویان، دبیر انجمن اسلامی این دانشگاه به روش غیر قانونی و غیر منطقی توسط ۳ تن که لباس شخصی بر تن داشته دستگیر و به وسیله اتومبیل رنو به نقطه نامعلومی برده میشود".

در قسمت دیگر این بیانیه آمده است: "ماموران اجرای حکم چرا بصورت یک آدم ربائی و گروگان گیری اقدام به دستگیری برادر رستم خانی و لشگری نموده‌اند؟ و نکته جالب‌تر این جاست که حدود یک ماه پیش برادر مصطفی نعمتی عضو دیگر شورای مرکزی انجمن اسلامی این دانشگاه که بصورت مخفی در دانشگاه مشهد مشغول تحصیل بوده است به همین ترتیب ربوده شده که تاکنون اطلاع دقیقی از محل بازداشت وی بدست نیامده است".

بدنبال این دستگیریها عده‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و امیرکبیر در کلاسهای درس بعنوان اعتراض حاضر نشده‌اند. انجمن‌های اسلامی تعدادی از دانشگاه‌ها نیز طی بیانیه‌هائی دستگیری دانشجویان را محکوم کرده‌اند. در بیانیه دفتر تحکیم وحدت آمده است: "...دو تن دیگر بدون ابلاغ هیچ گونه حکم رسمی و باشیوه‌های ناشایست پلیسی از صحن مقدس دانشگاه ربوده شده و تاکنون هیچگونه اطلاع رسمی از مرجع دستگیر کننده و محل نگهداری آنان بدست نیامده است." انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرده است: "...ما این حرکت را تهاجم به حیثیت سیاسی و فرهنگی دانشجو دانسته و مرکز آن را متحمل نخواهیم کرد و در صورت عدم پیگیری موارد فوق به تکلیف الهی و شرعی خود عمل خواهیم کرد."

رئیس دانشگاه امیرکبیر نیز نامه‌ای به خامنه‌ای ارسال کرده و در آن ضمن دفاع از دستگیر شدگان و اظهار نارضایتی از دستگیری آنان از او خواسته است که دستور آزادی دستگیر شدگان را صادر نماید.

این مسئله در مطبوعات کشور نیز بازتاب وسیعی پیدا کرده است. روزنامه‌های سلام و ابرار بیانیه‌های انجمن‌های اسلامی را درج نموده‌اند. روزنامه رسالت شدیدا علیه انجمن‌های اسلامی برخاسته و از اقدام قوه قضائیه دفاع نموده است. کیهان هوائی نیز خواستار آن شده که با مسائل دانشجویی بطور ظریف برخورد شود.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی نیز در این مورد گفت: "دستگیری این دو دانشجو همزمان با ۱۶ آذر روز دانشجو و در محیط دانشگاه و یا محوطه اطراف قابل تامل، تذکر و اعتراض است. اما این اعتراض باید به نحو معقول و مناسب و منطبق با شرایط کشور صورت گیرد."

این موضوع در عین حال به منازعه بین تشکل‌های موجود در دانشگاه‌ها یعنی انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت که در طیف جناح تندروها قرار دارند و جامعه اسلامی و اتحادیه آنها که حامی ائتلاف حاکم هستند، منجر شده است. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویی و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی طی بیانیه‌ای نقش دفتر تحکیم وحدت را در این جریان بیان داشته و آنرا شدیدا مورد حمله قرار داده‌اند.

با بالا گرفتن قضیه وزیر فرهنگ و آموزش عالی در جلسه پرسش و پاسخ در شهر قم اعلام کرد که این دانشجویان به اتهام جعل اسناد توسط ماموران دادستانی دستگیر شده‌اند.

در ماههای اخیر درگیری در دانشگاه‌ها و اعتراضات دانشجویان شدت یافته است. بخشی از این اعتراضات مربوط به وضع زندگی و آموزش دانشجویان است و بخش دیگر مربوط به درگیری جناح‌های حکومتی و جریانهای وابسته به آنها در دانشگاه‌ها است.

در تابستان گذشته ساختمان دانشکده حقوق دانشگاه تهران که در اختیار دفتر تحکیم وحدت بود، با حمله نیروهای انتظامی تخلیه شد که موجب اعتراض انجمن‌های اسلامی گردید. در دانشگاه شیراز عده‌ای از دانشجویان عضو "جامعه اسلامی" هنگام سخنرانی ابراهیم اصغرزاده که جزو رهبران جناح تندرو در مجلس شورا است به تظاهرات و آشوب دست زدند و مانع سخنرانی او شدند. در اوایل سال تحصیلی نیز در جریان تغییر رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی درگیری بوجود آمد و نیروهای انتظامی در این جریان دخالت نمودند. اخیرا عده از دانشجویان عضو "جامعه اسلامی" دانشگاه بهشتی موقع سخنرانی مرتضی الویری شعار دادند: "مرگ بر ضد ولایت فقیه و مقلد منتظری" که این مسئله به درگیری دانشجویان انجامید.

منازعه بین جناح‌ها که با نزدیک‌تر شدن زمان برگزاری انتخابات حدت می‌یابد، در دانشگاه‌ها تاکنون به برخوردهای بسیار حاد و خصمانه‌ای منجر شده است.

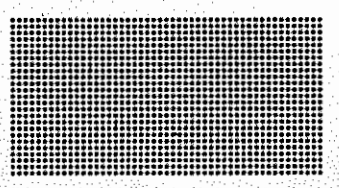

# تهاجم فرهنگی غرب یا بحران فرهنگی رژیم؟

بقیه از صفحه اول

به غرب دروغی است که تنها از دهان منادیان ارتجاع می‌تواند بیرون آید. سخنان خامنه‌ای نشانگر وحشت و هراس بزرگی است که این جریان در دل مرتجعین ایجاد کرده و زمینه سازی است برای اعمال فشار بیشتر علیه آن. اما وحشت خامنه‌ای تنها از گسترش روز افزون این جریان نیست. او از این نیز نگران و برآشفته است که حتی بخشهایی از نیروهای حاکمیت و پیرامون آن نیز از آسیب ''تهاجم فرهنگی'' در امان نمانده‌اند و اندیشه‌هایی را به میان می‌کشند که در فرهنگ و ایدئولوژی ولایت فقیه جرمی نابخشودنی است. خامنه‌ای در همان سخنرانی می‌گوید: ''این تهاجم فرهنگی گاهی هم متاسفانه بوسیله خودیها انجام می‌گیرد. مثلا فرض بفرمائید ما می‌بینیم یک سلسله کارها و بحثهایی مبنی بر حذف شخصیت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی شروع می‌شود. این یک کار ساده‌ای نیست''. دفتر مرکزی نمایندگان خامنه‌ای در دانشگاهها نیز در بیانیه‌ای که به مناسبت سالروز ''وحدت حوزه و دانشگاه'' صادر کرده‌اند نسبت به فاصله‌گیری و تقابل روز افزون دانشگاهها از حوزه‌های علمیه هشدار داده‌اند و نوشته‌اند: ''در فضای کنونی زمزمه‌ها و تبلیغاتی به گوش می‌رسد که در تلاش است تمامی فرهنگ و دانش حوزوی را زیر سئوال ببرد و با بزرگ کردن نقاط ضعف نظام حوزه‌های علمیه و به فراموشی سپردن عظمت و توانایی فقه رایج در حوزه‌ها به این گمان باطل دامن زند که چاره همه چیز در کنار گذاردن فقه رایج و تاسیس فقهی جدید است''. این بیانیه در ادامه می‌افزاید: ''برخی بلندگوهای مشکوک در آرزوی مایوس ساختن طلاب و دانشجویان متعهد و انقلابی، چنین تبلیغ می‌کنند که همه ضعفهای موجود ناشی از ناتوانی مدیریت کشور در دهه نخست انقلاب است و با ادعای انحصار مدیریت دهه اول انقلاب در دست حوزه‌ها، می‌کوشند تجربه مدیریت روحانیون را شکست خورده اعلام نمایند.''

این هشدارها خطاب به نیروهای وابسته به رژیم و نشانگر موج بی‌اعتمادی است که در میان آنان نسبت به نظام ولایت فقیه پدید آمده و می‌آید و بیش از پیش رژیم را در بحرانی فرهنگی و ایدئولوژیک فرو می‌برد. در پس پرده جار و جنجال پیرامون خط ''تهاجم فرهنگی''، کوشش برای سرپوش گذاردن بر بحرانی قرار دارد که فرهنگ و ایدئولوژی رژیم را به لرزه در آورده است. رژیمی که ادعا می‌کرد و می‌کند بالاترین فرهنگ را نه تنها به مردم ایران، بلکه به جهانیان ارائه کرده و انقلاب خود را انقلابی فرهنگی می‌خواند، هم در جامعه و هم در درون خود روز به روز با بن بست‌های بزرگتری مواجه می‌شود. فرهنگ و ایدئولوژی رژیم در شرایطی که همه وسایل ارتباط جمعی و ارگانهای سرکوب در خدمت آن قرار دارند در نبرد با فرهنگ بالنده و مترقی در جامعه بیش از پیش به زانو در می‌آید و قافیه را می‌بازد. این منادیان دروغین فرهنگ، حتی از ''ویدئو'' احساس خطر می‌کنند و در وجود آن نابودی فرهنگ و ایدئولوژی خود را می‌بینند. کار به جایی رسیده که به تایید نماینده مجلس، جوانان به تفکرت سران رژیم می‌خندند. حکومت اسلامی در تغذیه فرهنگی و ایدئولوژیک وابستگان به خود نیز ناتوان شده است. آنچه که اکنون در تعبیرهای مختلف از سوی برخی محافل وابسته به رژیم عنوان می‌شود، تعابیری جنینی و نارسا از اصل اساسی دموکراسی یعنی جدایی دین از سیاست است که خمینی بقای حکومت خود را در نفی آن می‌دید و عمری باهمه وسایل نامشروع علیه آن جنگید و اکنون این رسالت در درجه نخست بر عهده خامنه‌ای قرار گرفته است.

رژیم هنوز برای مقابله با موج روشنگری و فرهنگ مترقی و پیشرو و سرکوب عناصر و جریانات ''مرتد'' درون خود امکانات زیادی در اختیار دارد. انحصار وسایل ارتباط جمعی و مهمتر از آن ارگانهای سرکوب می‌توانند با شدت بیشتری در این جهت به کار گرفته شوند. سخنان خامنه‌ای، واکنشهای خشمگینانه‌ای که از سوی برخی نهادها و مسئولان و روزنامه‌های وابسته به رژیم نظیر کیهان علیه جریان فرهنگی موجود در جامعه و ''نغمه‌های ناساز'' در حکومت ابراز می‌شود، این نگرانی را دامن میزند که اقدامات سرکوب کننده در آینده تشدید شود. پیشبرد چنین سیاستی با دو مانع جدی مواجه است. از یک سو فعالیتهای محافل، انجمن‌ها و نشستهای ادبی و فرهنگی و روشنگرانه اکنون آنچنان دامنه گسترده و نیرومندی یافته است که مقابله سرکوبگرانه با آن به آسانی و بدون تن دادن به ریسکی با نتایج غیر قابل پیش بینی، امکان پذیر نیست. از سوی دیگر رژیم در تنظیم سیاست سرکوب فرهنگی با اختلاف و بحران دست به گریبان است. نیروهایی در رژیم وجود دارند که با انگیزه‌های مختلف، با تعابیر ''رهبر انقلاب'' و طیفی که خواهان سرکوب جریان فرهنگی داخل جامعه هستند، موافق نیستند و همین اختلاف و بحران عمیق فرهنگی - ایدئولوژیک و سیاسی، امکانات رژیم را در مقابله موثر با نهضت روشنگری کاهش می‌دهد.

## در حاشیه رویدادهای سیاسی

### خامنه‌ای و ملاقات نمایندگان با منتظری

مرتضی الویری در پاسخ به سئوالات دانشجویان‌ءگوشه دیگر از جریان ملاقات عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با منتظری و برخورد خامنه‌ای با این موضوع را آشکار کرد. او در دومین نشست از ''سلسله بحث‌های بررسی عملکرد برنامه پنجساله دولت'' که در دانشکده اقتصاد دانشگاه بهشتی برگزار میشود، در مقابل این سئوال که ''علت احضار شما به دادگاه ویژه روحانیت'' چیست، گفت: ''حدود یک ماه قبل از برگزاری کنفرانس فلسطین تعدادی از نمایندگان مجلس از جمله اینجانب به سرپرستی آقای هاشمیان جهت دیدار از آیات عظام از جمله آیت اله منتظری به قم رفتیم که پس از بازگشت آقای هاشمیان به دادگاه ویژه روحانیت احضار شدند.'' وی اضافه کرد: ''من در نطق پیش از دستور اخیر خود در مجلس این مسئله را توضیح دادم و گفتم که مقلد آیت اله منتظری هستم چرا که مسئله تقلید اجباری نیست'' و ''به دنبال موضوع فوق مقام رهبری تذکراتی به اینجانب دادند که تضعیف دادگاه ویژه روحانیت به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد بنده نیز طی یادداشتی به مقام رهبری اطلاع دادم که در این باره دیگر سخن نگویم''.

ملاقات عده‌ای از نمایندگان مجلس با منتظری با عکس‌العمل تند دادگاه روحانیت، جناح رسالت و خامنه‌ای مواجه شد. سخنان الویری نشان میدهد که خامنه‌ای در این جریان علاوه بر راه انداختن ماشین دادگاه ''روحانیت ویژه'' شخصا وارد جریان شده و ملاقات کنندگان را تحت فشار گذاشته است. و تحت این فشارها برخی از آنها از موضع خود پس کشیده و برخی دیگر نظیر الویری تنها قول داده‌اند که در این باره دیگر صحبت نکنند.

درگیری بر سر ملاقات با منتظری اکنون فرو نشسته است ولی بحران سیاسی حکومت که زمینه چنین ملاقاتی را فراهم آورده بود، هم چنان باقی است.

### مناظره با اعضای شورای نگهبان برگزار شد

پس از یک کشمکش چند ماهه بین حامیان دو جناح حکومت در مجلس شورا و در مطبوعات بر سر مناظره با اعضای شورای نگهبان در خصوص تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی، سرانجام این مناظره برگزار شد. هیئت رئیسه مجلس شورا، بیات نایب رئیس اول مجلس شورا و رشیدیان نماینده آبادان را برای شرکت در این مناظره انتخاب کرده بود. رشیدیان در این مناظره شرکت نداشت. بگفته او زمانی که او در مسافرت بوده این مناظره انجام گرفته است بدون اینکه باو اطلاعی داده شده باشد.

این دعوت که ابتدا توسط کروبی انجام گرفت، با عکس‌العمل طرفداران ائتلاف حاکم در مجلس شورا و در مطبوعات مواجه شد. بعد از درخواست هیات رئیسه مجلس شورا از شورای نگهبان برای برگزاری مناظره، علی اکبر پرورش نماینده اصفهان در سخنان پیش از دستور خود در مجلس کوشید هیئت رئیسه را از این کار منصرف سازد ولی موفق نگردید.

طرفداران ائتلاف حاکم برگزاری مناظره را به معنی شکستن ''قداست شورای نگهبان'' و ''فصل الخطاب های'' نظام جمهوری اسلامی تلقی میکنند. عباسی نماینده بندر عباس بعد از برگزاری مناظره می‌گوید: ''برخورد با شورای نگهبان و دعوت از آن به مناظره یادآور خاطره‌هایی است، ناخرسند و ناخوشاینده، یادآور مشروطیت و اوائل پیروزی انقلاب که گروهکها، رهبران انقلاب را به مناظره دعوت میکردند.'' وی اضافه میکند: ''وقتی که راجع به وزیری سخن گفته میشود، می‌گویند، تضعیف است و تضعیف دولت و نظام می‌باشد. اما فقهای شورای نگهبان که منصوب امامند، باید این چنین با آنان برخورد شود؟''

مناظره با وجود این فشارها برگزار شد ولی موضوع درگیری هم چنان مسئله مرجع تعیین صلاحیت نامزدهای انتخابات کماکان لاینحل مانده است. عبدالله نوری وزیر کشور ۲۱ فروردین ۱۳۷۱ را روز برگزاری انتخابات اعلام کرد ولی در مورد تایید یا عدم تایید صلاحیت نامزدهای نمایندگی اعلام داشت که این مسئله هنوز حل نشده است و رهبر باید در باره آن تصمیم بگیرد.

در سه دوره انتخابات ''شورای نظارت بر انتخابات وزارت کشور'' مرجع قانونی تعیین صلاحیت نامزدها بود و تنها در مواردی که نامزدی از این شورا شکایت داشت به شورای نگهبان مراجعه میکرد و شورای نگهبان در این موارد حق مداخله داشت. این بار شورای نگهبان وارد میدان شده و میخواهد طبق اصل ۹۹ قانون اساسی تایید یا عدم تایید صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی را شخصا پیش ببرد تا ترکیب نمایندگان دوره آتی مجلس بسود ائتلاف حاکم در بیاید.

## این همه خرید تسلیحاتی رژیم برای چیست؟

بقیه از صفحه اول

غلیظ ضدامریکائی نیست.

واقعیت مربوط به خریدهای تسلیحاتی رژیم و حرص و ولعی که یکی دو سال اخیر حکومت جمهوری اسلامی در این زمینه به خرج می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و مسئله‌ای نیست که قابل انکار باشد. جمهوری اسلامی علاوه بر ادامه خرید تسلیحات نظامی از چین و کره شمالی که سال‌هاست بدان اقدام می‌کند، یک قرارداد ۶ میلیارد دلاری خرید نظامی با شوروی سابق دارد که جمهوری روسیه ادامه اجرای آن را متعهد شده است. به این اقدامات، اخیرا تلاش برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای نیز افزوده شده است. هم اکنون جمهوری‌های دارای توان هسته‌ای شوروی سابق، برای بدست آوردن پول، و کارشناسان هسته‌ای آنها برای پیداکردن شغل و همینطور کره شمالی پس از امضای قرارداد با کره جنوبی برای برچیدن تجهیزات هسته‌ای خود، مجلها و امکانات مناسبی برای کشورهایی چون جمهوری اسلامی برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای هستند. علیرغم تکذیب‌های مقامات جمهوری اسلامی، این امر دیگر مسلم شده و اظهارات اخیر رئیس موسسه انرژی هسته‌ای شوروی سابق دایر بر تلاش برخی کشورها از جمله لیبی برای جلب و جذب کارشناسان هسته‌ای شوروی و اینکه پیشنهادهای خوبی از جانب این کشورها به این کارشناسان شده است، این مسئله را کاملا تایید می‌کند. رئیس موسسه انرژی اتمی شوروی سابق از جمهوری اسلامی نامی نبرد اما بطور قطع جمهوری اسلامی یکی از آن طرف‌هایی است که برای جلب کارشناسان هسته‌ای شوروی در تلاش بوده و هست. اما مسئله این است که این حرص و ولع ازجانب حکام جمهوری اسلامی برای انبار کردن سلاح چیست؟ سئوال این است کشور ما اکنون و یا در آینده از جانب کدامیک از کشورهای منطقه یا خارج از منطقه در معرض تهدید است؟ اگر نیست پس این خریدها برای چیست؟ آیا خرید و انبار تسلیحات به‌معنای این نیست که جمهوری اسلامی مقاصد سلطه طلبانه و یا احیانا توسعه طلبانه دارد؟ آیا کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در این صورت محق نیستند که نسبت به مقاصد سوء پنهانی در نزد مقامات اسلامی تهران بدبین باشند و آن را دلیل عدم پذیرش همکاری با ایران در تامین امنیت و ثبات منطقه بدانند؟ آیا همین سیاست تسلیحاتی رژیم به دست این کشورها بهانه نمی‌دهد تا برای تامین امنیت خود به انعقاد پیمان‌های نظامی با امریکا روی بیاورند؟

وجه مهم سیاست خرید تسلیحات نظامی از سوی جمهوری اسلامی برای مردم ایران در حال حاضر بیش از هر چیز در آن است که در شرایطی که کشور ما گرفتار ویرانی‌های بجای مانده از ۸ سال جنگ ویرانگر با عراق و زلزله مخرب شمال و سیل در مناطق مرکزی و جنوب کشور است و صدها هزار نفر هنوز آواره و بی سر پناه و بی‌خانمان‌اند، در شرایطی اکثریت مردم کشور ما به دلیل ۱۳ سال حکومت خانمان برباد داده حکام جمهوری اسلامی به فقر و فلاکت افتاده‌اند، چگونه سران رژیم به خود اجازه می‌دهند ثروت و منابع کشور به جای استفاده برای رفع نیازهای اولیه آنها، خرج توپ و تانک نمایند؟

## دادگاه عالی سوئیس از آزادی مامور رژیم خودداری کرد

دادگاه عالی سوئیس تقاضای جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی ''ضیاء سرحدی'' عامل رژیم در سفارت جمهوری اسلامی در سوئیس را رد کرد و بار دیگر تاکید نمود وی بر خلاف ادعای حکومت ایران از مصونیت دیپلماتیک برخوردار نبوده است. ضیاء سرحدی روز دوم دیماه (۲۳ دسامبر گذشته) توسط پلیس سوئیس در شهر برن دستگیر شد. این دستگیری به درخواست پلیس فرانسه و در ارتباط با قتل شاپور بختیار و همکار وی سروش کتیبه صورت گرفت.

جمهوری اسلامی بلافاصله پس از دستگیری مامور خود در سوئیس تلاش وسیعی را برای جلوگیری از انتقال وی به فرانسه و آزادی او آغاز کرد و کارمندان سفارت سوئیس در تهران را به تلافی اقدام پلیس آن کشور تحت فشار قرار داد. بر اثر این فشارها دولت سوئیس سفارت خود در تهران را تعطیل کرد. هر چند این تعطیلی یک هفته بیشتر به طول نیانجامید. اما روابط جمهوری اسلامی و سوئیس که در مدتی کوتاه به شدت رو به تیرگی نهاد، کماکان تیره و خصمانه باقی مانده است.

جمهوری اسلامی حساسیت ویژه‌ای نسبت به انتقال سرحدی به فرانسه نشان داده است. این حساسیت این گمان را تقویت کرده که انتقال مامور رژیم به فرانسه و تحقیقات از وی میتواند در روشن شدن نقاط تاریک قتل بختیار و روشن شدن دست عوامل رژیم در آن، موثر واقع شود.

دولت سوئیس تاکنون به درخواست فرانسه مبنی بر انتقال سرحدی به آن کشور نیز پاسخ مثبت نداده است. مطابق قوانین این کشور چنین انتقالی فقط پس از طی پروسه‌های قانونی که با توجه به فعالیت‌های جمهوری اسلامی بخاطر ممانعت از این امر ممکن است ماه‌ها به طول انجامد، می‌تواند انجام شود.

تحقیقات تاکنون پلیس فرانسه نظر تقریبا تمامی گروه‌های سیاسی ایرانی را که قتل بختیار را کار عوامل جمهوری اسلامی دانسته‌اند، تقویت کرده است. اپوزیسیون ایران و همچنین بسیاری از نیروی دموکراتیک فرانسه تاکنون بارها از سازمان قضایی آن کشور خواسته‌اند، تا بدون توجه به محاسبات سیاسی و روابط تهران و پاریس نقش جمهوری اسلامی در این جنایت را پیگری و نتایج آن را اعلام نماید.

## انجمن‌های فرهنگی بدون مجوز ممنوع شدند

بقیه از صفحه اول

چه تنگ تر کرده است این قبیل انجمن‌ها کار در خور ستایشی را پیش می‌برند. اخیرا قشری‌ترین نهادها و مطبوعات جمهوری اسلامی حمله خود را متوجه این قبیل انجمن‌ها کرده‌اند و همزمان با حمله به مطبوعات مستقل خواهان اعمال تضعیفات بیشتر برای این انجمن‌ها شده‌اند. آنها تاکنون توانسته‌اند وزارت ارشاد را به انجام بسیاری از خواسته‌های خود وادار کنند که از آخرین نمونه‌های آن توقیف نشریه گردون است. قشریون بدنبال این پیروزی‌ها، اکنون در میان مطبوعات مستقل حمله خود را علیه کلک و در میان انجمن‌ها علیه ''انجمن حافظان فرهنگ و هنر ایران'' متمرکز کرده‌اند. اطلاعیه وزارت ارشاد به معنی تمکین به خواسته قشریون است و نتیجه آن بی‌گمان اعمال محدودیت‌های تازه برای فعالیت انجمن‌های فرهنگی خواهد بود.

با کمکهای مالی خود
سازمان را در انجام وظایفش یاری رسانید

www.iran-archive.com

# از میان رویدادها

## رفع اشغال دفتر نهضت آزادی

دفتر نهضت آزادی در تهران پس از سه بار اشغال، به مالک آن بازگردانده شد. در سال ۱۳۶۷ بدنبال نشر و پخش چندنامه از سوی نهضت آزادی در انتقاد به سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی، این دفتر مورد حمله گماشتگان رژیم و پاسداران کمیته قرار گرفت و به اشغال آنان درآمد. بدنبال این تهاجم، دادستانی انقلاب اسلامی فعالیت سیاسی نهضت آزادی را به حال تعلیق درآورد و در دفترش را لاک و مهر کرد. کوششهای چند ساله رد بجائی نبرد. از آنجا که باز گردانی دفتر نهضت آزادی می‌توانست نشانه گشایشی برای آغاز فعالیت مجدد این سازمان باشد در خبر منتشره قید شده است که میان این دو رابطه وجود ندارد و فعالیت مجدد نهضت آزادی در گرو کسب مجوز از وزارت کشور است.

ساختمان دفتر نهضت آزادی در تملک دکتر سحابی قرار دارد که از رهبران و بنیان گذاران این سازمان است.

## هزینه امانات پستی به خارج از کشور چندبرابر افزایش یافت

روز دهم دیماه، نرخ حمل امانات پستی به مقصد خارج از کشور به ۳ تا ۵ برابر افزایش یافت. معاون فنی شرکت پست جمهوری اسلامی ایران در تشریح تصمیم فوق گفت این اقدام بر مبنای تصمیمات کنگره اتحادیه جهانی پست در سال ۱۹۸۴ اتخاذ شده است. مقام مذکور افزود: در محاسبه نرخ امانات پستی کشور چهار فاکتور وجود دارد که کلیه کشورها بر مبنای این ۴ عامل تعیین می‌شود. وی این چهار عامل را به شرح زیر برشمرد: حق السهم ورودی کشور مقصد براساس دلار ۷۰ ریالی، حق السهم خروجی کشور مبدا براساس ریال، هزینه حمل هوایی بر مبنای دلار ۶۰۰ ریالی و هزینه حمل محموله و توزیع آن در داخل کشور بر مبنای دلار ۶۰۰ ریالی. معاون شرکت پست مدعی شد که حمل امانات پستی به مقصد ۳۷ کشور که قرار داد با آنان وجود دارد حداکثر ۳ تا ۵ روز طول می‌کشد و در صورتی که بیش از ۵ روز هر امانتی به مقصد نرسد، شرکت پست تا دو برابر هزینه دریافتی به مشتریان خود غرامت می‌پردازد. وی برخی از نرخ‌های قدیم و جدید را به شرح زیر اعلام کرد:

دوبی از ۹۶۰ ریال به ۲۴۰۰ ریال. امریکا از ۱۶۳۰ ریال به ۶۶۶۰ ریال. ژاپن از ۱۹۰۰ ریال به ۵۵۵۰ ریال. آلمان از ۱۲۵۰ ریال به ۳۵۵۰ ریال. سوئد از ۱۸۳۰ ریال به ۴۴۰۰ ریال. هزینه امانات پستی زمینی به مقصد ژاپن ۱۱۹۰ ریال به ۱۹۵۰ ریال. آلمان از ۱۲۰۰ ریال به ۲۰۰۰ ریال و سوئد از ۱۸۳۰ ریال به ۲۳۰۰ ریال افزایش یافته است.

## ادامه تنش در مناسبات ایران و ترکیه

تنش در مناسبات دو دولت ایران و ترکیه شدت بیشتری یافته است. به رغم تکذیب‌های مکرر جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه ترکیه رسما ایران را متهم به حمایت نظامی از سازمان‌های سیاسی کردستان ترکیه کرده است. وزارت خارجه ایران اگر چه این اتهام را تکذیب می‌کند، اما در مواجهه با آن و واکنش در برابر حملات مطبوعات ترکیه با احتیاط عمل می‌کند. جمهوری اسلامی در برابر نفوذ نیروهای نظامی ترکیه به داخل خاک ایران نیز چشم‌پوشانه عمل کرد. در ماه گذشته واحدهای نظامی ترکیه به بهانه تعقیب چریک‌های کرد تا چند کیلومتر در خاک آذربایجان غربی پیشروی کردند. جمهوری اسلامی از دولت ترکیه خواسته است که هیاتی را برای مذاکره پیرامون اتهام حمایت ایران از چریک‌های کرد ترکیه بپذیرد. به نوشته مطبوعات تهران ترکیه حاضر به پذیرش این پیشنهاد نشده است. به احتمال زیاد هیات مزبور می‌بایست حامل پیشنهادات متقابل جمهوری اسلامی در اعمال محدودیت برای ایرانیان مقیم ترکیه و پناهندگان سیاسی بوده باشد.

در همین حال در استانبول محاکمه ناخدای کشتی اجاره‌ای ایران در دادگاه امنیت دولتی آغاز گردید.

کشتی مزبور حامل تجهیزات نظامی برای ایران بود که از بلغارستان خریداری شده بود. این کشتی در حین گذر از آبراهه بسفر در ۳۰ مهرماه توسط نیروهای مرزبانی ترکیه توقیف گردید. دولت ترکیه اعلام داشت که فهرست محموله نظامی در بارنامه قید نشده بود. از این رو اقدام ناخدای کشتی حمل و نقل غیر مجاز و مخفیانه سلاح در آب‌های ترکیه محسوب می‌شود. اعتراض ایران و مذاکرات دیپلمات‌های ایرانی با مقامات ترکیه نتوانست به رهائی ناخدا و ترخیص کشتی بیانجامد.

در پی برگزاری نخستین جلسه ناخدای یونانی کشتی مزبور، اعلام گردید که این محاکمه تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده و ناخدا به قید ضمانت مالی از زندان آزاد شده است. بنا به اعلام خبرگزاری آناتولی، جمهوری اسلامی از فرستادن وکیل به دادگاه خودداری کرده است. این خبرگزاری همچنین خبر داده است که محموله نظامی کشتی اجاره‌ای ایران متعلق به چریک‌های کرد ترکیه بوده است.

## کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی

در هفته‌های اخیر قیمت نفت در بازارهای جهانی بطور بیسابقه‌ای سیر نزولی یافت و در فاصله کمتر از یک ماه بهای هر بشکه نفت به سطح کمتر ۱۵ دلار رسید. پیش از آن متوسط بهای نفت در بازارهای جهانی حدود ۲۰ دلار بود. عوامل چندی از جمله افزایش تولید نفت از سوی برخی اعضای اوپک از جمله عربستان سعودی و ونزوئلا، آماده شدن کویت برای تولید و عرضه نفت، انتشار خبر مربوط به احتمال از سر گیری صدور نفت از سوی عراق در این سقوط بهای نفت تاثیر دارد. به این عوامل وجود رکود اقتصادی در برخی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از جمله آمریکا را باید اضافه کرد که تا حدی در کاهش تقاضای نفت تاثیر خود را بجای می‌گذارد. اما بطور قطع افزایش تولید بیسابقه نفت از سوی عربستان سعودی عامل عمده افت بهای نفت بوده و این رفتار عربستان نیز نتیجه بلافصل افزایش نفوذ و حضور امریکا در خاورمیانه، بدنبال جنگ خلیج فارس می‌باشد.

هم اکنون نفت خلیج فارس از جمله نفت ایران زیر ۱۵ دلار بفروش می‌رسد. این در حالیست که بنا به اظهارات نمایندگان مجلس دولت رفسنجانی در تنظیم برنامه‌های اقتصادی خود از جمله بودجه سال ۷۱ میانگین بهای فروش نفت را ۱۷ دلار تعیین کرده است. اگر تولید نفت کویت نیز به طور کامل به جریان افتد احتمالا سیاستی مشابه عربستان در پیش گرفته و موجب سقوط از این هم پائین تر قیمت نفت خواهد شد.

## وزنه‌برداری ایران در مقام سوم آسیا

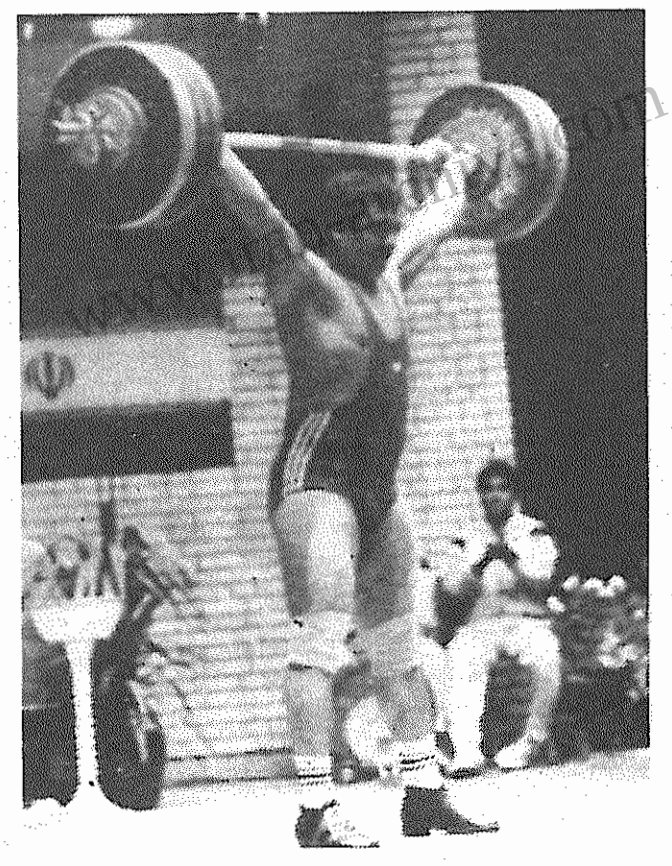

در بیست و سومین دوره مسابقات وزنه‌برداری آسیا که در ژاپن برگزار شد تیم ملی ایران به مقام سوم دست یافت. این نخستین عنوان آسیائی وزنه‌برداری ایران پس از مسابقه وزنه برداری قهرمانی آسیا در سال ۶۴ که در ایران برگزار شده بود، می‌باشد. در مسابقه امسال تیم ایران به ۳۳۵ امتیاز دست یافت. مقام‌های اول و دوم را تیم‌های کره‌جنوبی و چین تصاحب کردند.

عکس مظفر اجلی ۱۱۵ کیلوئی تیم ایران را نشان می‌دهد. وی در یک ضرب مدال نقره و در مجموع به مدال برنز دست یافت.

## آغاز ثبت نام کاندیداهای نمایندگی مجلس چهارم

در حالیکه کمتر از سه ماه به انتخابات دوره چهارم مجلس باقی مانده، مجلس سوم طرح تازه‌ای برای نحوه انجام انتخابات تصویب کرده است. از جمله مواد طرح مزبور این است که مجلس به خواست شورای نگهبان مبنی بر کنترل اجرائی انتخابات گردن نهاد و پذیرفت صلاحیت و یا عدم صلاحیت نامزدهای انتخاباتی نه توسط وزارت کشور که توسط شورای نگهبان تعیین شود. در همین ماده مجلس مقرر کرده است که شورای نگهبان با سه چهارم آراء می‌تواند صلاحیت کاندیداها را رد کند.

## در سال آینده نرخ ارز واحد می‌شود

دکتر کاشان معاون ارزی بانک مرکزی اعلام داشت از سال آینده نرخ دولتی ارز ملغی می‌شود. به گفته این مقام به جای نرخ‌های متعدد ارزهای خارجی که اکنون جاری است، نرخ واحد ی مقرر خواهد شد. سخنان معاون بانک مرکزی بدین معنی است که در سال آینده نرخ ریال در برابر ارزهای خارجی تا چند برابر کاهش خواهد یافت. دکتر کاشان پیرامون حد ستوط ارزش ریال تنها اشاره کرد که نرخ واحد برای ارز پائین تر از نرخ ارز شناور خواهد بود.

معاون بانک مرکزی در سخنان خود توضیحاتی نیز پیرامون علت تحمیل بهره سنگین به صنعتگران کشور داد. در شرایط کنونی صاحبان صنایع کوچک و کارگاه‌ها در صورت دریافت وام از بانک‌های کشور ناگزیرند بهره کمرشکن ۲۳ درصد را بپردازند. دکتر کاشان در توجیه ضرورت اخذ بهره‌ای در این حد از جمله به این نکته اشاره کرد که بانک‌ها بر اساس مصوبات مکلفند به برخی از سازمان‌ها وام‌های کم بهره بپردازند. وی افزود که خسارت اجرای این مصوبات باید از دیگر وام گیرندگان تامین شود. مقام مزبور از سازمان‌هائی که از اعتبار دریافت وام کم بهره برخوردارند، نام نبرد.

## علاقه سپاه به پروژه‌های میلیاردی

سپاه پاسداران اعلام داشته است که این ارگان یک پروژه عمرانی ۴۰۰ میلیارد ریالی را در خوزستان در دست اجرا دارد. این پروژه چند فقره عملیات سد سازی است. هم‌چنین محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران در گفتگوئی اعلام داشته است که سپاه خواستار بر عهده گرفتن اجرای طرح احداث خط آهن مشهد- سرخس شده است. علاقه فرماندهان سپاه پاسداران به انجام پروژه‌های بزرگ عمرانی سئوال برانگیز است. اگر چه بهره‌گیری از امکانات نیروهای مسلح برای عملیات عمرانی فی‌نفسه مفید میباشد. اکنون در ایران هنگفت‌ترین درآمد نصیب برندگان مناقصه طرح‌های پر هزینه می‌شود. مقاطعه‌کارانی که اینگونه به میلیاردها ریال سود دست می‌یابند، از وابستگان نزدیک شخصیت‌ها و ارگان‌های جمهوری اسلامی می‌باشند. علاوه بر این برخی از نهادهای ذینفوذ از قبیل بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید نیز مستقیما به سرمایه‌گذاری می‌پردازند. در این میان سپاه پاسداران وضعیت ویژه‌ای دارد. از آنجا که سپاه ارگانی نظامی است حداقل نظارت بر دخل و خرج و حسابهایش وجود دارد. با چنین وضعیتی اجرای پروژه‌های سنگین ده‌ها میلیارد ریالی می‌تواند درآمد هنگفت خارج از کنترل، نصیب مسئولین تراز بالای این ارگان سازد.

## وقتی که دفتر تبلیغات اسلامی نشریه زنانه منتشر می‌کند

از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نشریه تازه‌ای به نام ''پیام زن'' منتشر شده است. این نشریه قرار است خواسته‌ها و نظرات زنان مسلمان مورد نظر حوزه را منتشر سازد. گفتنی است که مدیر مسئول نشریه آقای عبائی و سردبیر آن آقای مرتضوی هستند!

## دولت ترکیه در صدد تحویل دهها پناهنده ایرانی به حکومت اسلامی است

بقیه از صفحه اول

گرفته است.

دستگیری این عده که بر خلاف کلیه مقررات و قوانین بین المللی صورت گرفته و خطر تحویل آنها به دولت جمهوری اسلامی در چهارچوب گفتگوها و توافقهای پنهان دو رژیم در جهت همکاریهای امنیتی به قصد سرکوب نیروهای مخالف دو رژیم صورت می‌گیرد.

چندی پیش رژیم ترکیه مدعی حمایت نظامی جمهوری اسلامی از سازمانهای سیاسی کرد ترکیه شد. مطبوعات دولتی تهران که نظر مقامات رسمی رژیم را بازتاب می‌دهند در پاسخ به اتهامات ترکیه، به حضور و تردد ایرانیان مخالف رژیم در ترکیه اشاره کرده و خواهان اقدام دولت ترکیه علیه ایرانیان مخالف رژیم در آن کشور شده‌اند. طی چند سال اخیر مقامات ایرانی مکررا این خواست را در برابر دولت ترکیه عنوان کرده‌اند. اقدام دولت ترکیه در دستگیری همزمان تعداد زیادی از ایرانیان مخالف رژیم در آنکارا و استانبول را باید در چهارچوبه توافقات دو کشور در مورد همکاری بیشتر برای مبارزه با مخالفین دو رژیم ارزیابی کرد. علیرغم تشنج روابط دو کشور دیدار رفسنجانی و اوزال در داکار در جریان کنفرانس سران کشورهای اسلامی موجبات چنین توافقاتی را فراهم آورده است.

ما اقدام دولت ترکیه در دستگیری ایرانیان مقیم آن کشور را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری آنها هستیم. بر جمانیان و سازمانهای بین المللی پوشیده نیست، که حکومت اسلامی با مخالفین خود چه برخورد وحشیانه و سبعانه‌ای دارد و در صورت استرداد افراد دستگیر شده به حکومت اسلامی چه سرنوشتی در انتظار آنهاست. ما توجه کمیساریای پناهندگی سازمان ملل و سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر را به خطری که جان هم میهنان دستگیر شده ما را تهدید می‌کند جلب کرده و خواهان اعمال فشار آنها به دولت ترکیه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان هستیم.

ضمیمه

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# طرح پیشنهادی

## برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران درراستای ایجاد تشکّلِ سیاسی واحد

در نشست عمومی تدوین کنندگان ''طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد''در اول دی ماه ۱۳۷۵، تصمیمات زیر اتخاذ شد:

۱-''طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری عملی نیروهای چپ دموکرات ایران در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد''با امضا تدوین کنندگان آن انتشار بیرونی بیابد.

۲-کمیسیونی برای انتشار ''بولتن بحث حول طرح پیشنهادی برای نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات ایران و در راستای ایجاد تشکل سیاسی واحد''انتخاب گردید.

۳-کمیسیونی برای بررسی امکانات مالی و فنی و راه های عملی برای انتشار یک نشریه مشترک سیاسی-خبری تعیین شد.

۴-کمیسیونی برای سازمان دهی کنفرانس ها، سمینارها و میز گردها انتخاب شد.

نشریه کـــــار، اکنون با استقبال از چنین تلاش هایی که در خدمت همگرایی و نزدیکی نظری و عملی بخشی از اپوزیسیون دموکرات رژیم قرار دارد و ایجاد تشکل سیاسی واحد از نیروهای چپ دموکرات را هدف خود قرار داده است این طرح پیشنهادی را به آگاهی خوانندگان میرساند.

*این طرح با مشارکت و همکاری افراد زیر تدوین شده و اینک برای بحث و اظهار نظر همه علاقمندان انتشار بیرونی می یابد:

آذر نور،فریدون عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، آل ابراهیم،محمد عضو شورای مرکزی حزب دموکراتیک مردم ایران، احمدی،فریدون عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امیرخسروی،بابک عضو شورای مرکزی حزب دمکراتیک مردم ایران، پوررضا خلیق،حسن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ثابتیان،منوچهر حزب دموکراتیک مردم ایران، خانباباتهرانی،مهدی از منفردین، دهکردی پوری از منفردین، راسخ،محمود از منفردین، زربخش،مجید از منفردین، عبدالرحیم پور مجید عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، غفاری هیت عضو هیات مسئولین سازمان فدائیان خلق ایران، فتاپور مهدی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرجاد فرهاد عضو شورای مرکزی حزب دمکراتیک مردم ایران، هوشمندی هرمز سازمان فدائیان خلق ایران

### نامه به خوانندگان این سند:

چپ دموکرات ایران بمثابه یك نیروی اجتماعی، بالقوّه از کمیّت و کیفیّت بالایی برخوردار است. امّا پراکندگی ها، از کارآیی آن می کاهد. بنا بر این نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ دموکرات و پایان دادن به پراکندگی و تبدیل آن به یك نیروی اجتماعی مؤثر ضرورت انکار ناپذیر است، که می بایست در راستای تحقق آن مجدّانه تلاش کرد.

در پاسخ به چنین ضرورتی، نمایندگان چند سازمان و تعدادی از کادر های منفرد چپ ایران، پس ازماه ها تبادل نظر و بحث، سندی که اینك دراختیارتان قرار می گیرد، تدوین کرده اند. آنچه ما انجام داده ایم، طرحی است پیشنهادی و مبنائی برای تبادل نظر است که به سازمانها و فعالان چپ ارائه می شود. بنا براین سندی بی عیب و نقص، بسته و پایانی نیست و امیدواریم با مشارکت و تلاش همگانی، تکمیل و غنی تر گردد.

از نظر امضاء کنندگان این سند، فعالیت مشترك نیروهای چپ آزادیخواه در زمینه همکاری های عملی گسترده، تشکیل سمینارها، بحث های آزاد، تشکیل میز گرد و انتشار نشریه مشترك می تواند در راستای تحقق ضرورت پیش گفته، مؤثر باشد.

بدون شك برای دستیابی به تعهدات و هدفی که در مصوّبهء پیوست قید شده اند، مشکلات و موانع زیادی در پیش است. پیشرفت این روند قبل از هرچیز در گرو کیفیّت مشارکت صاحبنظران، و فعّالان و کادر های چپ دموکرات قرار دارد. طبیعی است که شکل گیری چپ دموکرات بمثابه یك جریان سیاسی مؤثر و پویا، در گرو آنست که عناصر سیاست نوین و راه های سازماندهی چپ نو اندیش مشخص گردند. و قبل از همه، ضرورت دارد سنن و تفکرات نادرست گذشته را کنار بگذارند و همزمان آرمان عدالتخواهانه خویش را حفظ و هویّت نوین خویش را تعیین کنند. باشد که در روند این تلاش همگانی، ما نیروهای چپ آزادیخواه بمثابه یك جریان دموکراتیك و عدالتخواه نقش شایسته خود را در پیکار مردم ایران برای آزادی و عدالت ایفا کنیم.

تذکر این نکته لازم است که امضاء مشترك طرح پیشنهادی، به معنای تأیید تك تك ماده های مندرج در این طرح نیست.

### مقدمه:

۱ ـ چپ دموکرات ایران، محصول درس آموزی از موفقیت ها، شکست ها و خطاهای جریان بزرگ و پر قدمت چپ در ایران، و تجلّی رشد و تکامل آنست. این تحول به ویژه متأثر از روند سرنوشت ساز انقلاب بهمن و نتایج آن وتحوّلات چپ در عرصهء جهانی وفروپاشی نظام «سوسیالیسم واقعاً موجود» است.

۲ ـ در طول بیش از ۸۰ سال، چپ ایران، علیرغم اشتباهات و کژروی ها، برای عدالت اجتماعی، علیه دیکتاتوری و برای آزادی های سیاسی مبارزه کرده است. بسیاری از بهترین فرزندان این آب و خاك، ده ها هزار زنان و مردان شرافتمند ایرانی، در راه تحقّق عدالت اجتماعی وشکوفائی میهن مان، برای بهبود شرایط زیست مردم محروم جامعه، برای دستیابی به آزادی های سیاسی، در صفوف چپ متشکّل بوده و با آن همگامی می کردند و در این راه رنج ها کشیده و قربانی های بیشماری داده اند.

۳ ـ چپ دموکرات ایران، که بسیاری از فعّالان آن، سالیان دراز، در جریان مبارزات طولانی و با تحمّل محرومیّت ها و مشقّتها درراه خدمت به مردم ومحرومان جامعه کوشیده اند، نه می خواهد و نه می تواند تاریخ خود را نفی کند. لذا همان گونه که به مبارزات چپ ایران در راستای عدالت اجتماعی، علیه دیکتاتوری و برای آزادی های سیاسی، افتخار می ورزد، پاسخگوی کژ روی های آن نیز هست.

٤ ـ چپ های دموکرات ایران، علیرغم تعلّق به افق های سیاسی مختلف و برخورداری از ریشه های فرهنگی ـ مبارزاتی گوناگون، هرکدام به فراخور تجربیات و تحوّلات گذشته ی خود و مواضع و ارزیابی های پیشین خود از حوادث ایران و جهان خطوط فکری نادرست را نفی می کنند.

چپ دموکرات ایران با انحراف هائی چون وابستگی و دنباله روی، خدشه دار کردن وجهه ی ملّی چپ ایران، با تنظیم برنامه های سیاسی بر مبنای قطبی گرائی، با تفکّر استبدادی ای که بر بخش های گسترده ای از این چپ حاکم بوده است، مرزبندی روشنی دارد.

۵ ـ بی تردید درس آموزی از فاجعه ای که به دنبال انقلاب بهمن و روی کارآمدن روحانیت طرفدار ولایت فقیه بر سر مردم و سازمان های سیاسی و سندیکائی ایران فرود آمد، مرزبندی

www.iran-archive.com

با مجموعهء دیدگاه ها و سیاست ها و روش هائی را ایجاب می نمود، که بر اساس آنها از سوئی بخش عمده ای از نیروهای چپ، در جریان انقلاب بهمن و پس از آن به حمایت از رژیم مرتجع و قرون وسطائی جمهوری اسلامی کشانده شد و عروج و سلطهء استبداد هولناك مذهبی را نادیده گرفت، و از سوی دیگر بخش های دیگری از چپ ایران را به چپ روی های زیان بخش سوق داد .

۶ ـ فروپاشی نظام « سوسیالیسم واقعاً موجود » که تجسّم واقعی و عملی بنیان های فکری و نظری بخش بزرگی از کمونیست های جهان بود، آشکار شدن بیش از پیش ضعف های ریشه ای آن و خسران و فجایعی که مردم این جوامع از آن دیده اند، شرایط مساعدی برای بازنگری مبانی فکری و سیاسی چپ ایران فراهم ساخت و این روند را تسریع کرد .

۷ ـ چپ دموکرات ایران هرچند هنوز در روند تعیین و تبیین هویّت خویش است، ولی برداشت نو از چپ و جایگاه تاریخی ـ اجتماعی آن می تواند و باید به پلی برای رفع پراکندگی دیرینه ی جنبش چپ بدل گردد . چپ دموکرات ایران بر این باور است که جریانات گوناگون چپ کشور باید در یك بازنگری تاریخی، که بر اساس ارزش های مشترك صورت می گیرد، در یك جریان و تشکّل واحدی گرد آیند . چنین تشکلّی، باید سنّت های مثبت مجموعهء چپ ایران را میراث مشترك خویش قرار دهد .
لذا باید برای نزدیکی عملی و نظری نیروهای چپ دموکرات، در راستای ایجاد تشکّل سیاسی واحد فراگیری کوشید .
محور اساسی این حرکت و شکل یابی سازمانی، توافق کلّی آرمانی و برنامه ای خواهد بود و نه « وحدت ایدئولوژیك » و « وحدت تئوریك » . هرکس می تواند، مستقل از باورهای فلسفی و اعتقادات مذهبی خود، بدان بپیوندد .

# هویّت چپ دموکرات :

امروزه، درمیان بسیاری از چپ های دموکرات، دیدگاه ها و نظرهای متفاوتی در بارهء مفهوم سوسیالیسم، جامعهء سوسیالیستی و چگونگی دستیابی به آن وجود دارد . بدیهی است که ارائه ی یك بیان مشترك از این مسائل در یك سند مشترك امری نا ممکن است . ولی این واقعیت نمی تواند مانعی برای همکاری نیروها و عناصر چپ دموکرات در مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، آزادی، رشد و عدم وابستگی ـ که با هم پیوند خورده و جدائی ناپذیرند ـ ، در یك تشکّل واحد باشد . زیرا همانگونه که در این سند آمده است نه « وحدت در ایدئولوژی » و نه « وحدت در تئوری » ، پیش شرط عضویّت در یك تشکل واحد است .
هر چپ دموکرات در یك تشکل واحد آزاد است درك خود را از مفهوم سوسیالیسم ، جامعه سوسیالیستی و چگونگی دستیابی به آن، چه به صورت فردی و چه در همگامی با دیگران، در هر شکلی که صلاح می داند، انتشار دهد و برای آن تبلیغ کند .
وجوه اشتراك نظری و عملی عناصر چپ دموکرات در یك تشکل واحد، خطوط اصلی زیر است که در کلیّت خویش، هویّت چپ دموکرات را بیان می دارد .

## آزادی

۸ ـ ما به آزادی چون یك ارزش عام بشری و نیاز انسانی می نگریم و آن را دستاورد کُلّ جامعه بشری می دانیم . آزادی به دست آمدهء کنونی، محصول مبارزهء انسان های تحت ستم و انسان های آزاد منش در طول تاریخ و بویژه مبارزات جنبش کارگری در دو قرن اخیر است ، که اینك به صورت مدوّن در اعلامیّه جهانی حقوق بشر و ضمائم آن، متبلور است .
ترجمان عملی درك ما از آزادی در عرصه سیاسی، در حمایت فعّال ما از آزادی دگر اندیشان و مخالفان سیاسی و تأمین حقوق دموکراتیك آنان، تجسّم می یابد .

۹ ـ ما معتقد به دو میزان برای آزادی، در اُپوزیسیون و در حکومت نیستیم و بر آنیم که آزادی مخالفان، بی تبعیض تأمین گردد و استفاده ی برابر حقوق همگان از امکانات دموکراتیك کشور تضمین شود .

ما مخالف هرگونه نهاد و نظام استبدادی هستیم ؛ تحت هرنام که باشد، خواه اسلام و ولایت فقیه اسلامی، خواه رژیم سلطنتی و خواه دیکتاتوری پرولتاریا و خواه تحت عنوان منافع و مصالح ملّی . و هرنوع تحدید آزادی های دموکراتیك را، بویژه برای دگر اندیشان، تحت هرنام و انگیزه ای، مردود می شماریم .

## دموکراسی

۱۰ ـ از دیدگاه چپ دموکرات، دموکراسی چون حاکمیت مردم بر مردم، امری گذرا و خاص نظام سرمایه داری، یا « شعار تاکتیکی » ، فرع بر « مصالح عالی تر » و یا تابع « مبارزه و منافع طبقاتی » یا « مبارزه ضد امپریالیستی » نیست . دموکراسی، ازمضامین اصلی و جدائی ناپذیرحرکت ماست .
چپ دموکرات بطور پی گیر طرفدار دموکراسی، چون مناسب ترین راه تأمین مسالمت آمیز حاکمیّت مردم و خواستار گسترش و تعمیق همه جانبه ی آنست .
ما تا به آخر معتقد به مرجعیّت و حاکمیّت مردم هستیم و انتخاب آزاد آنان را در تعیین دولت و نهاد های حکومتی، قانونی می دانیم .

۱۱ـ ما به اصل تناوب و انتقال مسالمت آمیز و دموکراتیك قدرت، ناشی از رأی آزاد و قانونی اکثریت مردم معتقدیم . لذا نقض اعمال حاکمیت مردم را، از طرف هر دولت بر سر کاری محکوم کرده، اقدام علیه آن را حق قانونی و مشروع مردم می دانیم .

## استقلال

۱۲ـ ما معتقدیم که استقلال سیاسی و اقتصادی لازمه ی بنای ایرانی آزاد و شکوفاست . نظر به اینکه گسترش روز افزون مراوده ی جهانی و تعمیق وابستگی متقابل ملل به یکدیگر، زندگی در انزوا را غیر ممکن ساخته است، منظور ما از استقلال سیاسی و اقتصادی قطع رابطه با سایر کشور ها، از جمله کشور های قدرتمند جهان و کشیدن حصاری به دور ایران نیست، بلکه اتخاذ تصمیمات مستقلانه بر اساس منافع ملّی ، تکیه بر حاکمیّت ملّی و تمامیّت ارضی ایران و روابط برابرحقوق است .

۱۳ـ چپ دموکرات ایران عمیقاً میهن دوست است . افق آرمانی ما، تحقّق یك جامعه بشری آزاد و همبسته و سعادتمند در سراسر جهان است . و از همین رو از مبارزات آزادی ـ خواهانه و عدالت جویانه در جهان حمایت می کنیم .

## عدالت اجتماعی

۱۴ـ رسالت بنیادین چپ دموکرات تأمین هرچه گسترده تر و عمیق تر عدالت اجتماعی است . اکثریت مردم ایران را طبقات و قشر های محروم و ستمدیده تشکیل می دهند . تأمین حاکمیّت مردم بایستی در مسیر استقرار چنان مناسبات اقتصادی ـ اجتماعی باشد، که نیاز ها و منافع این اکثریت عظیم را در نظر داشته و پاسخگوی آن باشد .
ما بمثابه یك جریان چپ دموکرات، بارسالت دفاع از محرومان و زحمتکشان و همه مزد بگیرانی که از طریق کار جسمی و فکری امرار معاش می کنند، مبارزه برای تعمیق دموکراسی سیاسی و رشد اقتصادی را همواره با کوشش در راستای اعتلاء فرهنگی و عدالت اجتماعی پیوند زده و راهنمای مبارزات خود قرار خواهیم داد .

۱۵ـ عدالت اجتماعی ضمانتی برای حفظ صلح اجتماعی، استقلال کشور و آزادی های سیاسی است . در عین حال ما تحقّق هرچه عمیقتر و گسترده تر عدالت اجتماعی را بر بستر گسترش و تعمیق آزادی ها و حقوق دموکراتیك ممکن می دانیم و معتقدیم که این امر منوط به تحقّق زمینه های مادی آن در روند رشد و پیشرفت اقتصادی ، غلبه بر عقب ماندگی، تجدّد و اعتلاء فرهنگی جامعه ما می باشد .
طبیعی است که در کشور عقب مانده و ویران شده ای چون ایران نمی توان به نا برابریهای اجتماعی بُیکباره پایان داد . ولی می توان آنرا تعدیل نمود و در جهت پایان دادن به آن گام برداشت . باید میان الزامات رشد اقتصادی، تجدّد و عدالت اجتماعی توازنی عقلانی بر قرار کرد تا یکی قربانی دیگری نگردد .



www.iran-archive.com

به نظر ما شرکت مردم در سرنوشت خویش، به معنای گسترش دموکراسی بر روند تولید و توزیع و مشارکت تولید کنندگان و کار ورزان بخش خدمات در این روند نیز می باشد .

۱۶ـ دموکراسی و عدالت اجتماعی دو رکن اساسی و جدائی ناپذیر پیکار ماست .

۱۷ـ رهائی انسان از هرگونه ستم و بهره کشی فرد از فرد، رفع از خود بیگانگی، تامین و تعالی فرهنگی و رفاه و سعادت انسانها، خواست تاریخی ماست .

۱۸ـ نظام آرمانی ما تجسّم سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی جامعه ایست که در آن دستیابی به ارزشها و تمایلات والای انسانی که قبلاً اشاره کردیم، میسّر گردد . سوسیالیسم آرزوی دور دست ما و محرّک ما در مبارزه برای دموکراسی و در گام برداشتن در جهت عدالت اجتماعی و از مؤلّفه های هویّت چپ دموکرات است .

## حقوق اجتماعی

۱۹ـ ما معتقدیم که هیچ فردی نباید به دلیل جنسیّت، نژاد، ملیّت و عقیده و مذهب مورد تبعیض قرار گیرد یا امتیازی کسب کند . ماازآزادی کامل افراد جامعه در باور یا عدم باور به ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی و ایدئولوژیك حمایت می کنیم ، لذا طرفدار جدائی دین و هر ایدئولوژی از دولت هستیم و تعیین مذهب یا ایدئولوژی رسمی در کشور را مغایر با اصول فوق می دانیم .

۲۰ـ چپ دموکرات ایران خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی است و با تمام اشکال مرد سالاری و نیز برای الغاء کلیه ی قوانین ارتجاعی که مغایر برابری اجتماعی ، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان با مردان می باشند، مبارزه می کند و از مبارزات مستقل زنان در این زمینه پشتیبانی می نماید .

۲۱ـ چپ دموکرات ایران، بر مبنای اصل دموکراسی و اصل برابر حقوق ملیّت ها ، خواستار از میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض ملّی است .

۲۲ـ ما معتقدیم که هر عضو جامعه ی ایرانی باید از حق آموزش و پرورش، بیمه در برابر بیماری، بیکاری، سالخوردگی، معلولیّت و حق داشتن مسکن برخوردار باشد و هیچکس از حد اقل شرایط لازم برای زندگی محروم نباشد ، و حق مزدبگیران و حقوق بگیران، در تشکیل اتحادیه ها و انجمن های صنفی تضمین شود .

۲۳ـ چپ دموکرات ایران برای حق برخورداری از محیط زیست سالم و بهبود آن مبارزه می کند و معتقد است که باید بین رشد اقتصادی و ضرورت حفظ محیط زیست سالم تعادلی منطقی بر قرار گردد .

## صلح جهانی

۲۴ـ چپ دموکرات ایران خواهان صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریّت و خلع سلاح همگانی است . چپ دموکرات خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوق در مناسبات بین المللی، پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره زمین، بهره وری دموکراتیك از دستاورد های علمی و فنّی توسط تمام کشورها، امحای مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین کشورها و خواهان الغاء نژاد پرستی ، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدایش قهر در مناسبات بین انسانها و تثبیت ارزش های عموم بشری است . این خواستها بیانگر محتوی انسان دوستانه آماج های چپ دموکراتیك است .

## همبستگی

۲۵ـ ما مدافع اشکال متنوّع همبستگی جهانی، دردفاع ازصلح، حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان جنونی و در تلاش عمومی برای تحقّق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم .

۲۶ـ همبستگی سلاح زحمتکشان یدی و فکری در مبارزه برای تامین عدالت است . تفاهم عمومی مبنای همیاری و مشارکت مردم ایران درراه درهم شکستن استبداد و پی ریزی جامعه نوین است . ما در راه پی ریزی چنان جامعه ای مبارزه می کنیم که در آن، همبستگی به وجه غالب روابط و مناسبات اجتماعی مبدل شود .

# وظیفهء مبرم ما
# و راه دستیابی به آن

۲۷ـ چپ دموکرات، مبارزه برای کسب آزادی و دموکراسی و تامین حقوق بشر را وظیفهء اولیّهء خود می داند . تا مردم بر زمینهء آن، حاکمیّت خویش را تامین کند و جمهوری مورد نظرش را بر قرار سازد .

۲۸ـ ما، نظام جمهوری مبتنی بر کثرت گرائی و دموکراسی پارلمانی را که در آن همهء قوا و انتخاب همهء نهاد ها ناشی از ارادهء مردم است، شکل مطلوب حاکمیت مردم می دانیم و با تمام نیرو برای تحقّق آن مبارزه می کنیم . تعیین نهائی شکل نظام و تدوین قانون اساسی را از وظایف مجلس مؤسّسان قانونی و منتخب آزادانه مردم می دانیم . چپ دموکرات، تا استقرار جمهوری مطلوب خود، برای آن مبارزه می کند .

۲۹ـ مبارزه برای دموکراسی،امرفردای جمهوری اسلامی نیست. چنین مبارزه ای باید از هم اکنون آغاز گردد و پی گیرانه دوام یابد .

مشی سیاسی مطلوب ما برای دستیابی به دموکراسی و تامین حاکمیّت مردم، مبتنی است بر : تقویت ارتباط با مردم، روشنگری، ترویج افکار آزادیخواهانه ، بسیج و تشکّل توده ها برای تحقّق آزادی ها و حقوق دموکراتیك و مطالبات بحقّ مردم برای کار و مسکن و معاش آنها، تکیه بر پیکار با استبداد ووادارساختن رژیم به اتخاذ اقدامات به سود مردم . ما، از هرخواست، مبارزه و اقدامی که متوّجه بهبود سطح زندگی مردم ، تقویت دموکراسی و دفاع از منافع ملّی باشد، فعّالانه حمایت می کنیم .

۳۰ـ چپ دموکرات ایران، می کوشد تا حرکات و تحوّلات جامعه به سوی دموکراسی، از طریق مبارزهء سیاسی و مسالمت آمیز باشد و برای مقابله با مقاومت خشونت آمیز دستگاه حاکم، از شیوه های سازمان دهی حرکات آگاهانهء توده ای، نظیر اعتصابات سراسری و تظاهرات وسیع خیابانی استفاده کرده و شرکت کند . به عبارت دیگر ، چپ دموکرات ایران، مبارزهء سیاسی و سازمان دهی و تجهیز توده ها را شکل اساسی مبارزه برای تحقّق دموکراسی در ایران قرار دهد . در عین حال اعلام می کنیم که توسّل به قهر و قیام در برابر سیاست و روش سرکوب رژیم را حق طبیعی و مشروع مردم می دانیم . در چنین وضعیّتی، سیاست های مقتضی را در برخورد با آن اتّخاذ خواهیم کرد .

۳۱ـ تغییرات و تحوّلات در دستگاه حاکم را که به کاهش فشار روی مردم منتهی گردد، در شرایط رشد فزاینده نارضائی های مردم و انزوای روز افزون حاکمیّت و تضّاد های داخلی رژیم، امری محتمل و مفید می دانیم . چپ دموکرات باید با هشیاری و آمادگی، تاکتیك ها و شعار های متناسب با چنین تغییر و تحوّلاتی را اتّخاذ کند و با پویائی و خلاّقیّت در مبارزات روزمرهء مردم شرکت نماید .

۳۲ـ در شرایط کنونی و تا وقتی که نشانی از گشایش سیاسی و نمودی از اصلاحات جدّی سیاسی و اجتماعی و فضای باز سیاسی وجود ندارد و کلّ سیاست نظام بر سرکوب دگراندیشان و عدم تحمّل مخالفان استوار است، خواست ما همچنان دستیابی به آزادی های دموکراتیك و امنیّت قضائی و تامین معیشت و رفاه مادّی مردم و تمرکز مبارزات ما در این مسیر است . در این راستای عمومی و پایه ای، برای مبارزه با استبداد نقش محوری قائلیم . در سایهء مبارزات مستمرّ مردم و نیروهای سیاسی است که می توان حدّ اقل لازم آزادی ها ، به ویژه آزادی مطبوعات و آزادی احزاب را میّسر ساخت و شرایطی فراهم آورد که به اتّکاء آنها بتوان از طریق برگزاری انتخابات آزاد ، حرکت به سوی حاکمیّت دموکراتیك مردم را سامان داد . چپ دموکرات ، راه تامین رأی و ارادهء آزادانه مردم و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی از رژیم استبدادی به رژیم دموکراتیك و استقرار



www.iran-archive.com

حاکمیّت مردم را برگزاری انتخابات آزاد می داند و برای تحقّق آن مبارزه می کند .

۳۳ـ برای دستیابی و تحقّق وظایف فوق الذکر، تمام تلاش لازم را بکار خواهیم برد تا همراه با سایر احزاب و سازمان های ملّی ـ دموکرات، ائتلاف وسیعی از جمهوریخواهان بوجود آید . جبههء ائتلافی جمهوری خواهان ، کارپایه ای برای سازمان دهی مبارزات خود در راه تامین دموکراسی در ایران و برکناری جمهوری اسلامی و تامین حاکمیّت مردم، تدوین خواهد کرد .

## مشخّصات جمهوری مورد نظر ما

۳۴ـ جمهوری مورد نظر ما یك جمهوری پارلمانی است که بر پایه حقّ آزادانه همه مردم بالغ کشور در انتخاب کردن و انتخاب شدن ، از طریق رأی مستقیم و بلاواسطه و مخفی ، استوار است . در این جمهوری اصل تناوب و انتقال مسالمت آمیز و دموکراتیك قدرت، ناشی از رأی آزاد و قانونی اکثریت رعایت خواهد شد .

۳۵ـ این جمهوری براساس اصل تفکیك قوا بنا می گردد . استقلال قوّهء قضائیّه و قوّهء مقننّه تضمین می شود . رسانه های گروهی نهاد های مستقّل اند و هیچ قدرتی مجاز نیست آزادی عمل شان را نقض کند .

۳۶ ـ در جمهوری مورد نظر ما، آزادی های سیاسی، صنفی و فرهنگی، آزادی مطبوعات ، آزادی بیان و قلم، آزادی اندیشه، آزادی احزاب ، آزادی تجمّع و تظاهرات و دیگر آزادی ها و حقوق دموکراتیك مصرّح در بیانیه حقوق بشر، برای همه گرایش های سیاسی، فرهنگی، مذهبی و عقیدتی تامین و قانوناً تضمین می گردد .

۳۷ ـ در جمهوری مورد نظرما، کلیّه حقوق دموکراتیك کارگران، کارمندان ، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، از جمله حقّ آنها در تشکیل اتحادیه ها و انجمن های صنفی و آزادی اعتصاب، تضمین می شود . سازمان های صنفی، دموکراتیك و سیاسی، از ارکان اصلی دموکراسی در جمهوری است و مورد حمایت قانونی قرار می گیرد .
قانون کار بر پایه دفاع از منافع مزد بگیران و برابری حقوق زن و مرد و مشارکت کارگران و کارمندان در مدیریّت واحد های اقتصادی استوار است و با شرکت سندیکا ها و اتحادیّه های مزد بگیران تدوین می شود .

۳۸ ـ در جمهوری مورد نظر ما، سازمان مدیریّت جامعه باید بر اصل جدائی دین یا ایدئولوژی ازدولت وتساوی حقوق همه مردم در مقابل قانون استوارباشد . آزادی کامل افراد جامعه در باور یا عدم باور به ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی و ایدئولوژیك قانوناً تضمین گردد و هرگونه اعمال فشار و محدودیّت بر آنها مورد پیگرد قانونی قرار گیرد .

۳۹ ـ در جمهوری مطلوب ما مجازات اعدام و هرگونه شکنجهء روحی و جسمی، به هرشکل و روش و بهانه ای باید ممنوع شود . این جمهوری متّکی بر قانون است و همهء مردم در برابر قانون برابرند . باید شرایطی فراهم گردد تا ثروت و مال و منال یا موقعیّت اجتماعی، محرومان کشور را از حقوق برابر در مقابل قانون محروم نسازد .

۴۰ ـ در جمهوری مورد نظر ما کلیّه قوانینی که برابری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان با مردان را محدود یا نفی می کند، لغوخواهد شد . انتخاب پوشش آزاد است ازدواج درسنین پائین وچند همسری ممنوع می باشد .

۴۱ ـ در جمهوری مورد نظر ما، آموزش دبستانی و راهنمائی رایگان و اجباری است . آموزش حرفه ای و دبیرستانی و دانشگاهی رایگان است و به دانشجویان نیازمند، وام و هزینه زندگی پرداخت می شود .

۴۲ ـ در جمهوری مورد نظر ما باید امکانات لازم برای برخورداری همه مردم از بیمه درمانی، بیمه بیکاری، بیمه اجتماعی معلولیّت و سالخوردگی فراهم آید .

۴۳ ـ به منظور از میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض ملّی و رفع دیگر مصائب ناشی از وجود یك دولت مرکزی قدر ـ قدرت، جمهوری مورد نظر ما باید ساختاری فدرالیستی داشته باشد .
فدرالیسم در ایران چه به دلیل وجود ملیّت های گوناگون، چه به دلیل نقش دولت مقتدر مرکزی در شکل گیری استبداد و دیوان سالاری، چه به دلیل ناموزونی و ناهماهنگی رشد اقتصادی در بخش های مختلف ایران، می تواند نقش اساسی در استقرار و تثبیت آزادی های سیاسی، رفع ناموزونی های اقتصادی و اجتماعی و اعتلاء فرهنگی، رفع اشکال مختلف تبعیض و ستم ملّی و حفظ تمامیّت ارضی ایران، ایفا نماید .
فدرالیسم مورد نظر ما، بالطبع نمی تواند تنها بر اساس ملیّت و زبان شکل گیرد . در این شکل گیری باید ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تمایل مردم، اصل آمیزش و تداخل اقتصادی و پیشرفت سریع و حلّ معضل واپس ماندگی و فقر در تمام ایران، مدّ نظر قرار گیرد . و رابطه مناطق فدرال و دولت مرکزی بر مبنای اصول بازار واحد، سیاست گذاری دراز مدت مشترك در خدمت رشد اقتصادی سریع مناطق عقب مانده ، پاسداری از زبان مادری و یادگارها و ارزش های قومیٰ و ملّی، آموزش زبان فارسی به مثابه زبان مشترك تنظیم گردد (*)

۴۴ ـ در جمهوری مورد نظر ما، وظیفه ارتش پاسداری از مرز های کشور است . سیاست دفاع ملّی در تناسب با توانائی های اقتصادی کشور ترسیم می شود . ارتش ملّی در اساس بر پایه خدمت وظیفه عمومی به منظور دفاع از میهن در برابر تعرّضات خارجی سازمان می یابد . ارتش به عنوان یك نهاد نظامی حقّ دخالت در امور کشوری را ندارد . نظامیان از حقوق برابر با همه شهروندان بر خوردارند .

۴۵ ـ در جمهوری مورد نظر، ما، معتقد به پذیرش اقتصاد چند ساختاری و تنوّع مالکیّت ، شامل بخش های خصوصی انتفاعی وغیرانتفاعی، مالکیّت دولتی، تعاونی و پیشه وری هستیم . دولت در شرایط و چارچوب همزیستی و هماهنگی و رقابت ، بخش های مختلف اقتصاد را مطابق با قوانین مصوّب مجلس نمایندگان مردم تنظیم می کند . ومناسبات آنها را بر اساس نیاز های مردم و بهبود شرایط مادّی زندگی و احتیاجات اقشار محروم جامعه و حفظ محیط زیست واستفاده معقول ازمنابع طبیعی کشور، برقرار می ـ سازد . تعدیل شکاف طبقاتی با استفاده از اهرم های اقتصادی و از جمله مالیّات های تصاعدی بر درآمد های بالا صورت می گیرد، که میزان آن را قانون تعیین می کند .

۴۶ ـ سیاست خارجی کشور با حرکت از منافع ملّی و حفظ استقلال و تمامیّت ارضی ایران و عدم وابستگی به قدرت های بزرگ جهان تنظیم می شود . سیاست خارجی ایران بر اساس صلح و مودّت در منطقه و جهان ، در مخالفت با جنگ افروزی و تجاوز و برای محو سلاحهای هسته ای و شیمیائی و بیولوژیکی وهمزیستی مسالمت آمیزبا همسایگان وعدم ـ مداخله در امور آنان و پذیرش اصل حقوق برابر کشور ها، استواراست . پیروی از اصل سیاست عدم تعهّد و دفاع از مبارزات سایر ملل برای آزادی و استقلال ملّی، علیه تبعیض نژادی و حمایت از حقوق ملل فقیر و عقب ماندهء جهان ، از پایه های اصلی سیاست خارجی ماست . ما خواستار احترام به حقوق و قوانین بین الملل، تقویت سازمان ملل متّحد و جنبش غیر متعهّد ها، همکاری با جنبش صلح و محیط زیست و طرفدار نظم عادلانه اقتصادی در جهان هستیم . .

---

*در رابطه بااین ماده، بابک امیر خسروی نظر مخالف دادکه متن آن در ضمیمه آمده است .

ضمیمه :

در فرمول پیشنهادی ( ماده ۴۳ ) از نظر شکل دولتی، باید توجّه داشت که مساله، فدرالیسم به اندازه، لازم مطالعه نشده و اطلاعات ما کافی نیست . هم نمونه، جمهوری فدراتیو آلمان را داریم که موفّق است و هم جمهوری فدراتیو یوگوسلاوی را که یك فاجعه می باشد . اشاقاً نمونه، یوگسلاوی از نظر ترکیب ملّی و قومی و عقب ماندگی عمومی بیشتر شبیه ایرانست تا آلمان فدرال . از سوی دیگر وضع آلمان که تا یك قرن پیش هنوز دولت واحدی نداشت درمقایسه با ایران که چندین هزار سال است از طریق حکومت مرکزی واحد اداره می شود، بکلّی فرق دارد .اصولاً تغییرات در ایران نباید اندکی غیر منتظره باشد که به تلاشی کشور بینجامد . فرمول های به اندازه کافی مطالعه نشده، می تواند خطرهای جدّی داشته باشد . چنین راه حل هائی نیاز به کار متخصّصان دارد . به نظر من ما نباید وارد مطالبی بشویم که بعداً خارج شدن از آن دشوار باشد . چپ دموکرات چند نکته را لازم است تاکید کند :

۱ـ در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیّت ارضی ایران، ازخواست خود مختاری که حزب دموکرات کردستان ایران و سایر سازمانهای ملّی ـ دموکراتیك مطرح می کنند، پشتیبانی شود .

۲ ـ پذیرش شیوه، حکومت محلّی غیر متمرکز و دادن اختیارات به ایالات و ولایات برای تصدی و اداره، امور استانها، اقتصاد محلّی ، فرهنگ و زبان به ویژه در مناطقی که چنین تفاوتهائی اعمال می شود، بدون آنکه جنبه ملوك الطوایفی داشته باشد . در این رابطه، تجربهء انجمن های ایالتی و ولایتی که یك ابتکار انقلابیون دوران مشروطه و برخاسته از آذربایجان و یك ابتکار ملّی است، می تواند مفید باشد

به هرحال، تصمیم در این باره و با هرشکل احتمالی مناسب دیگر، را باید به عهدهء مجلس مؤسّسان و اظهار نظر خبرگان گذاشت .

نظر من اینست که بجای مادّه ۴۳، فرمول زیر مورد توجّه قراربگیرد :

« درجمهوری آینده،ایران، ما خواستاراز میان برداشتن هرگونه ستم و تبعیض، بویژه ستم و تبعیض ملّی در کشوری هستیم که اقلیتهای قومی،فرهنگی،زبانی،مختلفی دران از ورای هزاره ها، همزیستی داشته و با رشته های تاریخی، فرهنگی و عاطفی متعددی، به هم پیوند خورده وملت ایران را تشکیل می ـ دهند . از دیدگاه ما، دموکراسی و حقوق بشر و استقرار صلح و آرامش پایدار و دوستی میان اقوام ساکن ایران با تامین خواست خودمختاری اداری، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی وباآموزش زبان مادری درپیوند است ما مدافع خواست خود مختاری برای اقوام ساکن ایران در چارچوب ایران واحد و تجزیه ناپذیر و با تعهّد به حفظ تمامیّت ارضی واستقلال وحاکمیّت ملّی ایرانیم . و اساساً وجود یك دولت غیر متمرکز و اعطاء اختیارات محلّی را ضامن دوام دموکراسی در کشور و از الزامات رشد موزون اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی و عامل مهمّی برای رفع عقب ماندگی مناطق مختلف کشور، می دانیم . در این رابطه، احیاء فکر انجمن های ایالتی و ولایتی را چون شکلی از خود مختاری، با تعمیم آن به تمام کشور، که از دستاوردهای مترقّی و ارزشمند انقلاب مشروطیت است ، به قید تکمیل و تعمیق آن، با توجّه به الزامات روز، در خور توجّه می دانیم . به هرحال مطالعه اشکال دیگر کشورداری غیر متمرکز و تصمیم نهائی در باره آن را از وظایف مجلس مؤسّسان منتخب مردم بشمار می آوریم . »



www.iran-archive.com

# کدام مشی سیاسی؟

قربانعلی عبدالرحیم پور

آقای بیژن حکمت، عضو شورای مرکزی سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، درتیرماه ۱۳۷۰، در مقاله‌ای تحت عنوان ''انتخابات آزاد یا انقلاب سیاسی'' (ماهنامه جمهوری‌خواهان ملی ایران، شماره ۴۱، تیرماه ۱۳۷۰)، حین بررسی انتقادی مقاله آقای ف. تابان، سعی کرده است سیاست یا استراتژی انتخابات آزاد را از دیدگاه ''جمهوری خواهان ملی ایران'' روشنتر سازد. متاسفانه، آقای حکمت، نه‌تنها نتوانسته استراتژی و سیاست عمومی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران را روشنتر سازد، بلکه بر ناروشنی‌های آن افزوده است. مطالعه این مقاله مرا واداشت تا مجددا مروری بر اسناد رسمی این سازمان بکنم. کنکاش در این اسناد و نیز مطالعه مقالات برخی از مسئولین این سازمان، نشان می‌دهد که این سازمان در حال حاضر دارای مشی سیاسی روشنی نیست.

آقای حکمت از یکسو مشی مبتنی بر ''رفتن یکی و آمدن دیگری'' از طریق انتخابات آزاد را با بیان گوناگون و به نحوی از انحاء مطرح می‌سازد و می‌پذیرد و از سوی دیگر به مدافعین آن مشی ناسزا می‌گوید، آنها را به ماجراجویی سیاسی متهم میکند و می‌گوید: ''هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه مصالحه با آن است.''

وی در مقاله خود، بدرستی متذکر می‌شود که برای رفتن جمهوری اسلامی و آمدن دیگری باید بدیل یا آلترناتیو واقعی در برابر آن وجود داشته باشد و می‌نویسد: ''در برابر حکومت جمهوری اسلامی امروز کدامین بدیل یا آلترناتیو واقعی قرار دارد تا ما شعار رفتن یکی و آمدن دیگری را بدهیم.

شعار سرنگونی بدون توجه به نیرویی که جایگزین حکومت کنونی می‌گردد فقط یک ماجراجویی سیاسی است.''

بدین ترتیب روشن می‌شود که بنظر آقای حکمت در صورت وجود آلترناتیو واقعی در برابر حکومت اسلامی، و روشن شدن نیروی جایگزین حکومت کنونی، می‌توان شعار ''رفتن یکی و آمدن دیگری را'' مطرح کرد.

ایشان دیدگاه و مشی ''رفتن یکی و آمدن دیگری'' را در جای دیگر مقاله نیز به شکل دیگری نوشته است: ''**هدف جمهوریخواهان** ملی ایران، به عنوان مثال **استقرار جمهوری ایران است که بر حقوق برابر مردم و جدایی نظام سیاسی از دین و ایدئولوژی مبتنی است.**'' ...''**در مورد زمامداران کنونی نیز شعار انتخابات آزاد درست به معنای آن است** که مردم، آزادانه **دولت منتخب خود را برگزینند.** اگر دربرابر نامزدهای طرفدار جمهوری اسلامی نامزدهای اپوزیسیون وجود نداشته باشند این انتخابات از معنی تهی می‌گردد. ما معتقدیم که گشایش فضای سیاسی جامعه وتحقق پیش شرطهای انتخابات آزاد امکان پیدایش **یک آلترناتیو واقعی را در برابر زمامداران کنونی** بوجود می‌آورد.'' (تاکید از نگارنده است.) لازم به یادآوری است که ''سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران'' در ''برنامه سیاسی و مشی عمومی ما'' نیز صراحتا ''خلع ید از زمامداران حکومت'' را مطرح کرده‌اند.

ولی آقای بیژن حکمت، علیرغم داشتن چنین دیدگاه و مشی سیاسی و علیرغم اینکه شعار ''انتخابات آزاد'' را نه یک تاکتیک کوتاه مدت بلکه شعار استراتژیک می‌داند، یکباره به این نتیجه می‌رسد که: ''هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه و اداشتن آن به مصالحه است.'' جملات و واژه‌هائی نظیر: ''استقرار جمهوری ایران ...''، ''انتقال حاکمیت به مردم''، ''آلترناتیو واقعی در برابر زمامداران'' و ''انتخابات آزاد درست به معنای گزینش آزادانه دولت توسط مردم''، در اسناد رسمی و مقالات جمهوری خواهان ملی ایران، بسیار است. طرح این جملات و واژه‌ها در اسناد سیاسی یک جریان سیاسی؛ در شرایطی که جمهوری مبتنی بر دین و استبداد برجامعه ما حاکم است و هرگونه اقدام در جهت خدشه‌دار کردن استبداد، جرم محسوب شده وتوسط رژیم سرکوب می‌شود، واژه‌ها و جملات گویایی برای فهم و درک این موضوع است که این جریان خواهان ''رفتن یکی و آمدن دیگری'' است. ولی بنظر می‌رسد سازمان جمهوری خواهان هنوز به یک دیدگاه و مشی سیاسی روشنی دست نیافته و در حال گذار از یک مشی به مشی سیاسی دیگری است. بیژن حکمت ضمن ابراز چنین دیدگاه و مشی سیاسی در مقاله خود، تلاش در راستای ''رفتن یکی و آمدن دیگری'' و تلاش برای تشکیل دولت موقت و برگزاری مجلس موسسان را، الگوی کلاسیک و ماجراجویانه قلمداد کرده است. وی می‌نویسد: ''طبعا اگر ما انتخابات آزاد را شیوه تعیین حکومت در جامعه دموکراتیک بدانیم و نه شکل گذار به مردم سالاری، هیچگونه تقابلی بین این دوشعار وجود ندارد. نخست باید حکومت را با انقلاب سیاسی سرنگون ساخت و با نیروهای براندازنده (بدون انتخابات) یک حکومت موقت انقلابی تشکیل داد، آنگاه باید امیدوار بود این دولت موقت ... انتخابات آزاد را برای تشکیل مجلس موسسان و پایه‌ریزی یک نظام سیاسی نوین برگزار کند. این الگوی کلاسیک خط مشی انقلاب سیاسی است. با این تفاوت که شورای مرکزی **اکثریت بجای حکومت موقت و مجلس موسسان که مکمل شعار سرنگونی‌اند،** شعار انتخابات آزاد

اولا شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ''انتخابات آزاد'' را به بعد از رفتن حکومت موکول نکرده بود (بعد از کنگره دوم نیز چنین نکرده است)، بلکه قبل از آن و برای آمدن یک ''بدیل یا آلترناتیو واقعی'' به جای آن، مطرح کرده است. ثانیا به برگزاری انتخابات آزاد، هم بمثابه شکل گذار از استبداد به دموکراسی و هم بمثابه شیوه دموکراتیک تعیین حکومت در جامعه آزاد و دموکراتیک معتقد است. ثالثا تشکیل دولت موقت، الزاما و عینا معادل انقلاب سیاسی نیست. دولت موقت می‌تواند در شرایطی، غیر از انقلاب سیاسی نیز مطرح شود. و اما کلاسیک نامیدن و تخطئه کردن تلاش در راستای ''رفتن یکی و آمدن دیگری'' و ''تشکیل مجلس موسسان'' مطلق کردن تحولات آتی جامعه در ذهن خود می‌باشد. ما نمی‌توانیم از هم اکنون تصویر کلیشه‌ای از آنچه که در آینده دور روی خواهد داد، ارائه دهیم و بر مبنای آن مناسبات خود را با دیگر نیروهای سیاسی مدافع آزادی و دموکراسی و مخالف حکومت مبتنی بر استبداد و دین تنظیم کنیم. جنبش سیاسی ایران، از این تصویر سازی‌های کلیشه‌ای و مذهبی گونه کم لطمه ندیده است.

درباره کلاسیک بودن تلاش برای تشکیل مجلس موسسان نیز لازم است نکاتی را متذکر شویم. بنظر می‌رسد، بعد از ۱۳ سال تجربه مستقیم ''مجلس خبرگان''، برای طرفداران دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم، روشن شده باشد که جلوگیری از تشکیل مجلس موسسان توسط زمامداران جمهوری اسلامی و جایگزینی ''مجلس خبرگان'' بجای آن، یکی از بزرگترین ضربات هولناک بر پیکر جامعه در حال رویش ما بوده است. ضربه‌ای که اثرات مخرب آن هنوز هم ادامه دارد. این دیگر روشن شده است که مبارزه در راستای تشکیل مجلس موسسان برای تعیین حکومت آتی کشور، از بنیان‌های اصلی پیکار در راه دموکراتیزه کردن و نوسازی جامعه ایزان است. و هم از این روست که تلاش برای تشکیل مجلس موسسان در کشور ما، با شرکت آزادانه و برابر حقوق همه آحاد ملت ایران، و همه احزاب و سازمان‌های سیاسی، نه تنها یکی از نشانه‌های میزان پایبندی نیروهای طرفدار دموکراسی نسبت به امر خطیر دموکراتیزه کردن و نوسازی جامعه است بلکه بیان کننده موضع آنها نسبت به حکومت کنونی و ضد مجلس موسسان نیز می‌باشد. نمی‌شود مدافع پی‌گیر دموکراسی، پلورالیسم، تجدد، ''تشکیل آزادانه دولت منتخب مردم''، ''انتقال حاکمیت به مردم'' و ''استقرار جمهوری...'' بود و نسبت به برگزاری مجلس موسسان سکوت کرد و یا آن را تخطئه کرد. سازمان جمهوری‌خواهان چنانکه تلاش در راستای انتقال حاکمیت به مردم و تشکیل مجلس موسسان را الگوی کلاسیک، ناشی از بینش گذشته ماجراجویانه و مغایر استراتژی خود می‌داند، بهتر است آن را اعلام کند.

''سازمان جمهوری خواهان ملی ایران'' بعد از انتشار ''برنامه سیاسی و مشی عمومی ما'' که در آن از ''خلع ید از زمامداران'' و ''تشکیل دولت موقت و مجلس موسسان'' سخن رفته است در بیانیه دیگری که در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۶۸ منتشر کردند بارها از ''انتقال حاکمیت به مردم'' سخن گفته‌اند: ''...امروز پس از گذشت یازده سال ... زمامداران حکومت ... **در برابر سومین انتخاب خود قرار گرفته‌اند.** با باگشودن فضای باز سیاسی و آزاد کردن احزاب و مطبوعات، **شرایط انتقال مسالمت آمیز حاکمیت به مردم را فراهم می‌آورند** و یا با ادامه خودکامگی کار را بجایی می‌رسانند که ملت با قهر و زور **حاکمیت خود را بدست** می‌آورند. یا زمامداران در برابر ملت تمکین می‌کنند و برای حفظ مصالح ملی راه کم دردتر را **برای انتقال حاکمیت به مردم** بر می‌گزینند یا در برابر خواسته‌های حق طلبانه ملت مقاومت می‌کنند و باعث خواهند شد تا تحقق این خواست‌ها با خواهر و برادر کشی با جنگ، خونریزی و با اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی مملکت همراه گردد...'' (تاکیدات از نگارنده است).

در این نوشته، شورای مرکزی این سازمان، هنوز از انتقال حاکمیت سخن می‌گویند و بر ''انتقال حاکمیت به مردم'' تاکید دارند ولی برایشان روشن نیست که ''زمامداران حکومت'' شرایط ''انتقال حاکمیت به مردم'' را فراهم خواهند کرد یا با ادامه خودکامگی کار را به قهر و خونریزی و جنگ خواهند کشید. شورای مرکزی جمهوری‌خواهان ملی ایران، در این بیانیه، ضمن اظهار تردیدهای فراوان نسبت به چگونگی برخورد زمامداران حکومت در برابر خواست‌های حق طلبانه ملت ایران می‌نویسد: ''...امروز جوجهانی و تحولات اوضاع کشور، شرایطی پدید آورده است که مبارزات همسوی مردم می‌توانند زمامداران را به مصالحه با خواست‌های حق طلبانه ملت وادار کند و راه را برای میثاق جدید میان مردم بگشاید.''

اما این تردیدها، به‌مرور زمان، به سودامیدواری به ''بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین'' رژیم، فرومی‌ریزد و شورای مرکزی این سازمان، در مطلبی تحت عنوان ''انتخابات آزاد و سیاست عمومی جمهوری‌خواهان ملی ایران'' (مصوب شورای مرکزی پانزدهم دسامبر ۱۹۹۰) می‌نویسد: ''**شعار انتخابات آزاد زمانی واقعیت خواهد یافت که مبارزات مسالمت آمیز مردم، رژیم را زیر فشار قرار دهد و بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین آن را به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیزد...**''. واما آقای بیژن حکمت، از این نیز فراتر رفته و در مقام دفاع از مشی ارائه شده اعلام می‌کند: ''هدف انتخابات آزاد نه برانداختن حکومت بلکه واداشتن آن به نظر می‌رسد وجود ابهامات، تناقضات و آشفتگیهای فراوان در دیدگاه و مشی سیاسی سازمان جمهوری خواهان نیز، مثل برخی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون رژیم، ناشی از پایان نیافتن پروسه گذار است. پایان نیافتن پروسه گذار، مهر و نشان خود را بر مشی سیاسی این سازمان نیز زده است. ابهامات و تردیدها نسبت به مشی سیاسی و مواضع این سازمان در برابر حکومت کنونی، ساخته و پرداخته این یا آن حزب و سازمان نبوده بلکه ناشی از وجود ابهامات و تردیدهای خود سازمان جمهوری خواهان ملی ایران نسبت به حکومت است.

شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران و نیز آقای بیژن حکمت، با ارائه دیدگاه و مشی متناقض و ناروشن، در برابر این سوالات و معضلات قرار دارند که اگر ''بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین'' مورد نظرشان به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیخته نشوند و اگر حکومت تن به مصالحه ندهد، چه خواهند کرد؟! آیا شعار استراتژیک خود را (انتخابات آزاد) کنار خواهند گذاشت؟ یا دلایل دیگری جهت حفظ آن ارائه خواهند داد؟! اگر آن بخش مورد نظر، یا حکومت زیر فشار مردم به سازش برانگیخته نشوند و مصالحه نکنند، احزاب و سازمان‌های آزادیخواه و مردم ایران چه باید بکنند؟ آیا باید آنقدر به مبارزات و فشارهای خود ادامه دهند تا آنها را زیر فشار به سازش برانگیزانند و انتخابات آزاد واقعیت یابد؟! بیچاره مردم ایران، چه گرفتاری‌های عجیبی دارند و با چه مقدرات مذهبی گونه مواجه هستند. و بالاخره، این چگونه استراتژی است که با برانگیخته نشدن این گرایشات به سازش با خواست‌های آزادیخواهانه، نمی‌تواند واقعیت یابد.

مسئولین سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، بر خلاف بخشی از اپوزیسیون رژیم که هیچ توجهی به تحولات فکری و فرهنگی جاری در جامعه ایران و ایرانیان و در میان طرفداران جمهوری اسلامی ندارند، بدرستی متوجه این تحولات شده‌اند. ولی همین دوستان، در ارزیابی خود از سطح رشد تحولات و در ارزش گذاری به این گرایشات درون رژیم، دچار آنچنان خوشبینی مفرط شده‌اند که این گرایشات را مبنای تحقق شعار استراتژیک خود قرار داده‌اند. اینکه یک حزب سیاسی جدی، در تدوین مشی سیاسی خود، باید به گرایشات مشتی که در میان نیروهای جمهوری اسلامی در سمت ''آزادی''، ''ولایت مردم'' و ''مدیریت علمی'' و ... پیدا شده است توجه لازم را بکند و سیاستی را تنظیم کند که این گرایشات صیقل یابد و در جهت تقویت جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک رشد و گسترش یابد، درست است. و این کار هر حزب سیاسی جدی است. ولی تنظیم سیاست عمومی و استراتژی با اتکاء بر این گرایشات پراکنده و ضعیف یک خطای سیاسی جدی است.

درباره ''بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین'' رژیم نیز، سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران و آقای بیژن حکمت روشن نکرده‌اند که کدام نیروی سیاسی معین حامل این گرایشات است و مقام و موقعیت آن در جمهوری اسلامی چیست؟ بدون روشن کردن این نیرو و بدون نشان دادن مقام و موقعیت آن در درون رژیم، گفتن اینکه: ''شعار انتخابات آزاد زمانی واقعیت خواهد یافت که مبارزات مسالمت آمیز مردم، رژیم را زیر فشار قرار دهند و بخشی از گرایشات معتدل و واقع بین آن را به سازش با مطالبات آزادیخواهانه برانگیزد...''، بیشتر به تبلیغات شباهت دارد تا یک حرف جدی سیاسی. علاوه بر آن، در تدوین استراتژی سیاسی ناظر بر تامین آزادی و حاکمیت مردم نمی‌توان صرفا بر اعتدال و واقع بینی یک نیروی سیاسی، بویژه نیرویی که با داغ و درفش سراغ مخالفین فکری و سیاسی خود می‌رود، تکیه کرد.

و اما اگر سخن از آغاز تحولات فکری و فرهنگی در میان نیروهای وابسته به رژیم و سخن از آغاز پیدایش گرایشات مثبتی که در میان این نیروها نیز در سمت ''خردگرایی''، ''واقع بینی''، ''آزادی''، ''دموکراسی''، ''مدیریت علمی و نه فقهی'' و پذیرش عناصر مثبت اندیشه و فرهنگ و فلسفه و تمدن غرب است، و اگر واقعیت دارد که این گرایشات مثبت هر چند پراکنده، ضعیف، صیقل نیافته و شکل نیافته وجود دارد، دیگر نمی‌توان از اعمال فشار جهت برانگیختن آنها به سازش با خواست‌های آزادیخواهانه استفاده کرد. یک جریان سیاسی یا کسانی، اگر **زیر فشار** به سازش به خواست‌های آزادیخواهانه برانگیخته شوند، با بر طرف شدن فشار، مجددا به روش‌های داغ و درفش در مواجهه با مخالفین فکری و سیاسی بر خواهند خواست. اگر گرایشات مثبتی در سمت مذکور وجود دارد، باید به سمت گیری هر چه روشن‌تر و پایدارتر و فاصله‌گیری هر چه بیشتر از استبداد و روش‌های درفش و داغ دعوت و تشویق شود.

بقیه از صفحه ۶

## کدام نظام اجتماعی و چه مشی سیاسی؟

در انتخاب استحاله تردید نخواهم کرد. زیرا اعتمادم به اینکه سرنگونی متضمن دموکراسی باشد بسیار کمتر از موفقیت تدریجی در یک رشته اصلاحات سیاسی با مشارکت عموم جناح‌های سیاسی کشور است.''

اما واقعیت‌ها چه هستند. رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است ضد دموکراسی و واپسگرا که به جای چاره جویی مشکلات توده‌ها و حتی انجام یکی از حداقل‌های دموکراتیک با عنوان نمودن اسلام در مقابل دموکراسی و با تکیه بر قوانین و اصول ارتجاعی، با نمود هر گونه دموکراسی، دگراندیشی، عدالت پژوهی عناد ورزیده و با استفاده از اهرمهای قهر، ترور مخالفان، سرکوب اعتراضات مردمی و جنبش‌های حق طلبانه آنها خود را تثبیت نموده است. رژیم جمهوری اسلامی جهت غلبه بر مشکلات اقتصادی اجتماعی و تثبیت هر چه بیشتر حاکمیت ضد مردمی خود به سرعت به دامان امپریالیسم می‌غلطد و با بستن قراردادهای عظیم اقتصادی با کشورهای اروپایی که هیچ یک از آنها عملا گامی در زمینه نوسازی یا ایجاد تغییری در ساختار ورشکسته اقتصادی کشور نمی‌باشد، با در پیش گرفتن سیاستهای ماجراجویانه در زمینه خرید تجهیزات اتمی، گسترش نامتناسب ارتش و نیروهای امنیتی-انتظامی، خریدهای تسلیحاتی عظیم، دخالت‌های غیر مسئولانه در امور منطقه و کشورهای همسایه و ... اقتصاد ورشکسته ایران را دچار فلاکت بیشتری نموده و با تکیه بر سرمایه مالی و تحرکات سود جویانه و غیر مسئولانه آن، احتکار، رباخواری و ... اقشار گسترده‌ای را دچار فقر، بیچارگی و تیره روزی نموده است.

آقای نگهدار باید بگویند که بر اساس کدام شواهد عینی امید به استحاله رژیم بسته‌اند، و غیر از این است که این استحاله بیش از آنکه در رژیم جمهوری اسلامی باشد در خود ایشان بوده است و آیا غیر از آن است که تغییراتی را که ایشان به آن دلخوش کرده‌اند، حداکثر رژیم جمهوری اسلامی را به طرف آن شبه دموکراسی می‌برد که رژیم سلطنتی و شاه مدعی آن بودند.

www.iran-archive.com

# خبرها و نظرها

در شماره گذشته موضع‌گیری تعدادی از نیروهای سیاسی چپ در رابطه با تحولات شوروی درج شد. در این شماره نیز به درج تعدادی دیگر از این مواضع می‌پردازیم تا خوانندگان تصویر نسبتا جامع‌تری نسبت به نظرات طیف نیروهای چپ کشورمان در رابطه با تحولات فوق به دست آورند. مطالب انتخاب شده فالباتیل از فروپاشی و تجزیه شوروی نگاشته شده و نظر به سرعت تحولات در آن کشور، طبعا برخی از مسایل طرح شده در آنها موضوعیت خود را از دست داده و یا نکات متفاوتی را منعکس می‌کند.

## نامه مردم: متصرکیست؟

نشریه نامه مردم "ارگان مرکزی حزب توده ایران" در مقالات متعددی تحولات مزبور را مورد بحث قرار داده و منجمله در نشریه شماره ۳۶۴ در تاریخ ۱۹ آذر ماه می‌نویسد:

"در حال حاضر کشوری بنام اتحاد جماهیر شوروی وجود خارجی ندارد. اتحاد شوروی، در نتیجه "کوشش" پنجساله عده‌ای از رهبران سابق حزب کمونیست که طی سالیان دراز در خدمت رهبران دوران رکود بودند، در پنجسال اخیر بر اساس یک برنامه حساب شده از هم پاشیده شده و این روند به سرعت ادامه دارد."

"اقتصاد کشور از هم گسسته و به سرعت به سوی فلج کامل پیش می‌رود. در اینکه اقتصاد شوروی در دهه تا سال ۱۹۸۵، یعنی آغاز دگرگونسازی در حال رکود بود، تردیدی نیست، البته رکود به معنای توقف رشد اقتصادی نبود. تمرکز بی‌حد اقتصاد، ادامه بهره‌برداری از مکانیسم "فرماندهی- اداری"، سطح نازل بازدهی اجتماعی کار و عقب ماندگی چشمگیر در عرصه پیشرفت علمی و فنی از ویژگی‌های اقتصاد سوسیالیستی بود و به همین علت نیز مسئله حیاتی اصلاحات اجتماعی- اقتصادی پیش کشیده شد. اتحاد شوروی به اصلاحات بنیادین برای استفاده از پتانسیل بالقوه سوسیالیسم نیاز مبرم داشت و رهبران حزب و دولت نیز به همین سبب ضرورت دگرگونسازی را مطرح ساختند.

اما، خصلت "تحمیلی" دگرگونسازی در شرایط عدم برنامه مدون فراگیرنده دقیق چگونگی اصلاحات و نیز نبود کادرهای لازم و از همه مهمتر عوامفریبی آشکار رهبران رفرمیست حزب و دولت، مشکلات عظیم اقتصادی- اجتماعی را دامن زد. بحران ساختاری اجتناب ناپذیر همراه با سهم هر چه بیشتر تولید در صنایع سنگین و نظامی، مانع تغییر ساختار سازمان یافته اقتصاد گردید و اشتباهات بزرگ رهبری که منجر به از هم گسستن پیوندهای اقتصادی شد، وضع جامعه را انفجار آمیز ساخت.

در سال ۱۹۹۰ علائم فلج اقتصادی هر چه بیشتر رو شد. برای اولین بار پس از جنگ کاهش اکثر شاخص‌های ماکرواکونومیک اعلام گردید. اگر در فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۱ میانگین رشد سالانه ۳/۶ درصد بود، این شاخص در سال ۱۹۹۰ به ۲ درصد کاهش یافت. تولید درآمد ملی ۴ درصد و بازدهی اجتماعی کار ۳ درصد تنزل کرد، در پایان سال ۱۹۹۰ وام دولتی به بیش از ۵۵۰ میلیارد روبل رسید، یعنی ۱۵۲ میلیارد روبل افزایش یافت.

بحران ژرف ساختاری خواه ناخواه کاهش سریع تولید در صنایع سنگین را موجب شد، در حالی که در تولید صنایع سبک حرکت محسوسی به چشم نمی‌خورد. در نتیجه سطح عمومی مصرف اهالی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ بیش از پیش سقوط کرد و این روند در سال جاری نیز همچنان ادامه دارد.

طبق آمار آکادمی علوم شوروی در ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۱، تولید صنعتی در اتحاد شوروی در مقایسه با سال ماقبل ۱۲ درصد، تولید درآمد ملی ۱۳ درصد و بازدهی کار ۱۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. آمار مربوط به جمهوری فدرال روسیه فاجعه آمیزتر است. در سال ۱۹۹۰ تولید صنعتی بزرگترین و ثروتمندترین جمهوری شوروی که آقای یلتسین آن را رهبری می‌کند، ۲۰ درصد کاهش یافته است. برای درک پی‌آمدهای مخرب چنین کاهشی، کافی است بگوئیم تجربه جهانی بیانگر آن است که کاهش تولید به میزان ۲۵ درصد به فلج کامل اقتصاد منجر می‌گردد.

"ما گفتیم مدل استالینیستی ساختمان سوسیالیسم در شوروی، و نیز اشتباهات در مواردی عظیم رهبران آن کشور در دهه‌های اخیر و از همه مهمتر خودداری از اصلاحات بنیادین اقتصادی- اجتماعی اتحاد شوروی را با مشکلات بزرگی روبرو ساخته بود. اما، این یگانه عامل وضع رقت بار کنونی در آن کشور نیست. هشتم ماه ژوئن ۱۹۸۲، ریگان طی یک سخنرانی در پارلمان انگلستان گفت: بیایید به خود تردید راه ندهیم و از قدرت خود برای تبدیل مارکسیسم- لنینیسم به خاکستر باقی مانده از حریق تاریخ استفاده کنیم.

شاید امروز کمتر کسی این گفته آقای ریگان را به خاطر داشته باشد. نه تنها واشنگتن، بلکه همه جهان غرب برای تحقق بخشیدن به این فراخوان ریگان دست به دست هم دادند. بدیهی است هیچ نیروی خارجی نمی‌توانست آنچه را امروز در غرب رویدادهای غیر منتظره فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و اتحاد شوروی مینامند، بوجود آورد. در این مورد باید بویژه نقش میخائیل گارباچف و همکاران نزدیک او- شوارنادزه، یاکولف، یلتسین و عده‌ها کمونیست سابق عالی مقام- را مورد نظر قرار داد.

نه تنها در خود اتحاد شوروی سابق، بلکه در خارج هم خیلی‌ها می‌خواهند نقش رهبران درجه اول حزب کمونیست را که امروز هم بر سر کارند، به دست فراموشی بسپارند. مگر آقایان گارباچف و شوارنادزه و یاکولف و یلتسین در دوران رکود عالیترین مقامات حزبی را اشغال نکرده بودند؟ هم در مرکز و هم در جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق کمونیست‌های سابق حکمروائی می‌کنند. گرچه این آقایان از بکار گرفتن کلمه "سرمایه‌داری" خودداری می‌ورزند، ولی همه آنها می‌خواهند نظام اجتماعی- اقتصادی سرمایه‌داری را جایگزین سوسیالیسم کنند. اگر آنها، این هدف خود را آشکار و بی پرده با مردم در میان می‌گذاشتند، جای بحثی نبود. اما، گارباچف به عنوان مبتکر اصلی دگرگونسازی میلیون‌ها انسان را فریب داد."

# راه کارگر: اکتبر پرچم ماست

در نشریه آبان ماه راه کارگر مقاله‌ای با قلم ی- مهران درج گردیده است در این مقاله آمده است:

"این روزها این اولین سئوالی است که برای هرکس مطرح می‌شود. وقتی لیبرال‌های شوروی و مطبوعات غربی با موذی‌گری حساب شده‌ای شکست کودتای سه روزه اوت گذشته را عنوان "انقلاب اوت" می‌بخشند، وقتی فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزبی که انقلاب اکتبر را رهبری کرده بود، ممنوع اعلام میشود، و وقتی شورای شهر لنینگراد، شهری که اکتبر از آنجا آغاز شد، تصمیم میگیرد نام این شهر را به سن پترزبورگ برگرداند و روز این نامگذاری مجدد را هر ساله بجای سالروز انقلاب اکتبر جشن بگیرد، ظاهرا دیگر کسی تردید ندارد که انقلاب اکتبر را نیز می‌باید جزو انقلابهای ناموفق و شکست خورده به حساب آورد. من هم فکر می‌کنم که به یک لحاظ و البته به یک لحاظ- اکتبر را باید انقلابی شکست خورده تلقی کرد. اگر بپذیریم که دولت بیرون آمده از بطن یک انقلاب، بی‌واسطه‌ترین عرصه برای ارزیابی نتایج آن انقلاب است. باید انقلاب اکتبر را انقلاب شکست خورده بدانیم. هدف اعلام شده انقلاب اکتبر برقراری دولت شوراها، یعنی حاکمیت بی‌واسطه اکثریت زحمتکش بود. دولتی که در آن، بقول لنین، همه تهیدستان می‌بایست سازمان می‌یافتند و مسلح می‌شدند و نهادهای قدرت دولتی را مستقیما در دست می‌گرفتند و خودشان این نهادهای قدرت دولتی را تشکیل می‌داد. دولتی که می‌بایست "نه فقط سازمان توده‌ای بلکه سازمان عمومی همه خلق مسلح" باشد. شکی نیست که حزب- دولت استالینی که در پنج شش دهه گذشته بر اتحاد شوروی حاکم بود نه فقط به دمکراسی مستقیم اکثریت زحمتکش شباهتی نداشت بلکه نقیض کامل آن بود. و برقراری آن بجای دولت شوراهای کارگران و دهقانان جز شکست انقلاب اکتبر معنای دیگری نمی‌توانست داشته باشد. به این اعتبار، انقلاب اکتبر نه در هفتاد و چند سالگی، با انحلال حزب کمونیست اتحاد شوروی و یا به زیر کشیده شدن مجسمه‌های لنین، بلکه در ده- دوازده سالگی، با انقلاب از بالای استالین شکست خورده است.

اما با تامل در همین ویژگی شکست اکتبر در می‌یابیم که این انقلاب را از جهات دیگر باید یک انقلاب پیروز تلقی کرد. اگر میزان موفقیت یک انقلاب را با ادامه تاثیرات و تغییراتی که در جهت اهدافش بوجود می‌آورد، ارزیابی کنیم، انقلاب اکتبر به راستی انقلاب بسیار موفقی است. تاثیرات و تغییراتی که اکتبر در جهان ما بوجود آورده با هیچ انقلابی قابل مقایسه نیست.

دومین سئوالی که غالبا ذهن‌ها را اشغال می‌کند و بی‌ارتباط با سئوال اول نیست، این است که آیا حزب- دولتی که در اتحاد شوروی به قدرت رسید، هیچ پیوندی با انقلاب اکتبر نداشت؟ طیف مخالفان اکتبر عموما حزب- دولت استالینی را محصول بی‌واسطه و طبیعی انقلاب اکتبر و استالینیسم را ادامه منطقی و اجتناب ناپذیر لنینیسم می‌دانند. و البته حزب- دولت استالینی نیز خود را فرزند طبیعی و مشروع انقلاب اکتبر معرفی می‌کرد. ولی بررسی بی‌غرضانه تاریخ انقلاب اکتبر بنحو قانع کننده‌ای نشان می‌دهد که حزب- دولت استالینی نه نتیجه و واقعیت یافتن اهداف اکتبر که محصول مسخ شدگی و شکست آن بود. اما اگر منکر این حقیقت نباشیم که اکتبر از درون خود شکست خورده است و نه با بازگشت نظام پیش از انقلاب ناگزیر باید توضیح بدهیم که در درون خود اکتبر چه عوامل و عناصری به این شکست و مسخ شدگی یاری رساندند..."

"به نظر من این ضعف اکتبر را می‌توان از همان آغاز در نگرش سیاسی و اقتصادی رهبری انقلاب مشاهده کرد. در حوزه سیاسی رهبران اکتبر به حق بر ضرورت حیاتی دمکراسی، شرکت فعال و مستقیم مردم در سیاست و اداره دولت و امور عمومی جامعه و مخصوصا بر اهمیت در هم شکستن ماشین دولت بورژوائی به عنوان شرط اساسی شکل‌گیری دولت جدید کارگری تاکید می‌ورزند، اما نه تنها متناسب با آن بر ضرورت آزادی‌های سیاسی به عنوان شرط حیاتی برای قوام و دوام دمکراسی و شرکت فعال و موثر کارگران و زحمتکشان در سیاست تاکید نمی‌کنند بلکه گاهی کاملا آن را نادیده می‌گیرند...."

"...کلیدی‌ترین و به لحاظ سیاسی دافعترین سئوالی که اکنون در رابطه با اکتبر بر ذهن‌ها فشار می‌آورد. این است که آیا اکتبر با ضدیت با سرمایه‌داری در کشوری عقب مانده و دهقانی این کشور را به بیراهه نکشاند؟ و آیا کارگران و زحمتکشان چنین کشورهائی طبق منطق "آسیا به نوبت" باید صبر پیشه کنند تا تکامل سرمایه‌داری خود شرایطی عینی لازم برای رهائی آنها را فراهم آورد؟ تفسیر تاریخ گرایانه خاصی از مارکسیسم وجود دارد که به بهانه "تحلیل علمی" آن را به یک نظریه کاملا محافظه‌کارانه تبدیل می‌کند. مخصوصا در شرایط امروز جهان ما که بخش اعظم جمعیت انسانی در کشورهای پیرامونی سرمایه‌داری به غیر انسانی‌ترین و غیرقابل‌ترین اشکال لگدکوب بهره کشی سرمایه هستند، از اهمیت و حساسیتی به مراتب بیشتر از زمان مارکس یا حتی انقلاب اکتبر برخوردار است. کسی که امروز به مردم کشورهای پیرامونی سرمایه‌داری، یعنی چهار پنجم جمعیت سیاره ما که در دوزخی تحمل ناپذیر دست و پا می‌زنند، توصیه می‌کند که راه اکتبر را نرود، نه تنها نمی‌تواند طرفدار تمدن، دمکراسی و پیشرفت باشد، بلکه نقدا دارد بربریت را ستایش می‌کند و بربریت را تدارک می‌بیند.

# علی کشتگر: تحولات شوروی تا کجا پیش خواهد رفت؟

در نشریه شهریور ماه فدائی مقاله‌ای با قلم آقای علی کشتگر در رابطه با شکست کودتای اوت در شوروی درج گردیده است. در این مقاله آمده است:

"از کودتای نافرجام حزب کمونیست شوروی علیه گورباچف و علیه آزادی تا امروز که این سطور را می‌نویسم درست یک هفته میگذرد. هر ساعت این ۷ روز، تاریخ به اندازه چندین سال معمولی حرکت کرده است.

هزار نکته باریکتر از مو و هزار هزار تجربه و درس به گنجینه تاریخ، این گنجینه پر ارزش بشری افزوده شده است.

اگر گورباچف ۲ سال پیش با قاطعیت بیشتری محافظه‌کاران و نئواستالینیست‌ها را کنار گذاشته بود، بدینوسیله توانسته بود، اصلاحات اقتصادی- سیاسی دلخواه خود را در اتحاد شوروی به پیش برد، شاید امروز می‌شد از بسیاری از عواقب احتمالی این عقب ماندگی که تلاشی شوروی، آغاز جنگ‌های مرزی میان کشورهای تشکیل دهنده شوروی و هرج و مرج‌های اقتصادی از جمله آنهاست جلوگیری کرد.

اما آیا واقعا گورباچف می‌توانست سریعتر از این و قاطع‌تر از این حرکت کند و نکرد؟ این سئوالی است که تاریخ در اینده به آن پاسخ خواهد داد. لیکن به گمان من گورباچف که خود از درون حزب کمونیست و نظام توتالیتر برخاسته بود و به ناچار با شعار اصلاح حزب و نظام و نه انحلال آنها پا به میدان گذاشته بود، گورباچف که ابزار و وسایل کار خود را از همان حزب و دولت گرفته بود هرگز نمی‌توانست معجزاتی بیش از آن که جهان در چند ساله گذشته از او دید صورت دهد. او در محاصره حزب کمونیست، در محاصره سانتریست‌ها و در محاصره کسانی بود که با وجود قبول بن بست حزب و نظام اکثرا به چیزی بیش از اصلاح نظام رضایت نداشتند.

میخائیل گورباچف، با همه اشتباهات و سازش‌هائی که در برخورد با پروسه تحولات ۶ ساله از خود نشان داد، بی‌تردید به عنوان بزرگترین رهبر تاریخ شوروی و یکی از بزرگترین رهبران سیاسی تاریخ و یک دوستار بزرگ صلح و آزادی برای همیشه در تاریخ خواهد ماند.

اگر لنین دموکراسی نوپا و شکننده روسیه را که بر ویرانه‌های سلطنت تزار در حال پدید آمدن بود، با کودتای حزب بلشویک در نطفه خفه کرد، گورباچف رهبر تحولاتی است که دموکراسی را در اروپای شرقی و اتحاد شوروی به جای نظام توتالیتر نشاند...

بر عهده جامعه بین المللی و همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه است که در چنین شرایط دشواری به یاری گورباچف بشتابند. متاسفانه مردم روسیه و سایر کشورهای اتحاد شوروی به علت ده‌ها سال دیکتاتوری فرسنگ‌ها عقب‌تر از آنجایی هستند که گورباچف ایستاده است. مردم روسیه یلتسین ناسیونالیست، خشن و تا حدی ناآگاه به شرایط و اوضاع جهانی را بر گورباچف ترجیح می‌دهند، چرا که یلتسین به سطح فکر و تمایلات صیقل نیافته توده‌ها نزدیک است. در حالیکه گورباچف هنوز می‌خواهد مردم روسیه و سایر کشورهای اتحاد شوروی را به قلل رفیع‌تری هدایت کند.

www.iranarchive.com

## کناره‌گیری بن جدید

بقیه از صفحه آخر

رهایی بخش ملی" بود که جامعه الجزیر را با بحرانی همه جانبه مواجه کرده است. در الجزایر نرخ بیکاری ۲۵ درصد و تورم ۱۰۰ درصد است. در میان جوانان سهم بیکاران به ۵۰ درصد بالغ می‌شود. در دستگاه دولتی الجزایر فساد و سوء مدیریت حکمفرماست. حکومت الجزایر علیرغم درآمد نفت و کشاورزی نسبتا توسعه یافته، نتوانسته است به نیازهای جمعیت ۲۶ میلیون نفری کشور پاسخ دهد. سی سال دیکتاتوری، جلوی شکل‌گیری آلترناتیو سیاسی را گرفته است. در سال‌های اخیر، بنیادگرایان اسلامی بر این زمینه مساعد و با تکیه بر دلارهای عربستان سعودی، نفوذ خود را در الجزایر گسترش دادند و توانستند در سال ۱۳۶۹ در انتخابات شهرداری‌ها پیروز شوند. مسئولان محلی در مناطقی که اداره آن برعهده جبهه نجات قرار گرفته است، طی یک سال و نیم مسئولیت خود نه تنها نتوانسته‌اند مشکلات مردم را حل کنند، بلکه با وضع مقرراتی مشابه جمهوری اسلامی در زمینه حجاب زنان و جدا کردن مدارس مختلط بر معضلات افزوده‌اند. با این حال، عوامفریبی بنیادگرایان بر زمینه تداوم بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی الجزایر هنوز کارکرد موثری دارد و توانسته است علیرغم همه تلاش‌های حکومت و اپوزیسیون دمکراتیک، مرحله اول انتخابات را به سود جبهه نجات تمام کند.

پیش‌بینی تحولات الجزایر با تعویق انتخابات بسیار دشوار شده است. حکومت با این انتخاب روبرو است که روند دمکراتیزه کردن کشور را علیرغم وقفه ایجاد شده، ادامه دهد یا به شیوه‌های دیکتاتوری بازگردد. جبهه نجات اسلامی که پس از پیروزی در مرحله اول انتخابات، به صراحت اعلام کرده بود که قصد ایجاد حکومت اسلامی را دارد، از دوجناح میانه‌رو و رادیکال تشکیل شده است. در حالیکه جناح رادیکال اینک زمینه مساعدی برای تشدید رویارویی با مخالفان حکومت اسلامی در الجزایر یافته است، تحولات آتی تا حد زیادی بدین بستگی دارد که در جبهه نجات، کدام جناح مشی خود را پیش‌برد.

برخی ناظران معتقدند در الجزایر، این امکان وجود داشت که همانند اردن، اکثریت پارلمان در دست بنیادگرایان اسلامی باشد اما خطوط اصلی سیاست کشور تغییری نکند. به نظر آنان شاذلی بن جدید در آخرین روزهای زمامداری خود، سیاستی را دنبال می‌کرد که هدف آن، نوعی محدود کردن خسارات ناشی از پیروزی انتخاباتی بنیادگرایان از طریق پذیرش همکاری با آنها بود. بن جدید گفته بود که حاضر است یک دولت متشکل از اعضای جبهه نجات را بپذیرد و با آن همکاری کند. اما جبهه نجات بلافاصله پس از انتخابات ۵ دیماه، خواهان برکناری بن جدید و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شد. این امر و نیز مخالفت صریح نظامیان الجزایر با سپردن زمام امور به دست جبهه نجات، سازشی را که بن جدید هدف خود قرار داده بود، با شکست مواجه کرد و در نهایت به کناره‌گیری رئیس جمهوری الجزایر و تعویق انتخابات انجامید.

## یک سال پس از جنگ خلیج فارس

بقیه از صفحه آخر

پس از جنگ و در حال محاصره اقتصادی به آن کشور سفر کردند که خانم لیود و هاس بلژیکی نیز در زمره این گروه تحقیق بود. او در مراجعت از سفر سه هفته‌ای خود به عراق، مشاهدات خود را در روزنامه همبستگی ارگان حزب کار بلژیک به چاپ رساند:

**مردم منتظر مرگ هستند**

ما می‌دانستیم در عراق بعد از جنگ و یکسال تحریم اقتصادی شرایط مناسبی وجود ندارد. اما با اینهمه، هیچوجه انتظار چنین وضعیت وحشتناکی را نداشتیم. این شرایط را در یک کلمه خلاصه می‌کنم: "مردم منتظر مرگ هستند". آنها نمی‌توانند کاری دیگر انجام دهند. مردم عادی تمام آذوقه‌هایشان را خورده‌اند. در حال حاضر وسایل خانه و وسایل شخصی خود را می‌فروشند تا از این طریق بتوانند مقداری مواد غذایی تهیه کنند. تحریم اقتصادی می‌بایست هرچه زودتر برداشته شود.

**۵۰ هزار بچه قبلا...**

تاکنون پنجاه هزار بچه زیر پنج سال بعد از جنگ مرده‌اند و این رقم روز به روز به صورت وحشتناکی افزایش می‌یابد. کودکانی که هنوز زنده مانده‌اند می‌بایست کار کنند. موردی که سالهای طولانی در عراق از آن خبری نبود. برای اینکه عایدی ماهانه خانواده بیشتر شود بچه‌ها می‌بایست کار کنند. ما آنها را می‌بینیم که چهار چرخ‌های سنگینی که با آن گوجه فرنگی له شده حمل می‌کنند را می‌کشند. گدایی افزایش زیادی یافته است در صورتی که در گذشته این مشکل از بین رفته بود. دیگر کودکان در آنجا بازی نمی‌کنند. آنها اغلب خواب هستند و یا از دامن مادرانشان آویزانند. چشمشان مضطرب می‌باشد. من آنجا لبخندی ندیدم. بهترین محل خانه برای نوزادان می‌باشد که در آنجا مادرانی که هنوز قوه و توانی برای شیر دادن دارند به آنها شیر می‌دهند.

قیمت یک لیتر شیر قبل از جنگ دو دلار بود ولی اکنون به ۴۵ دلار رسیده است. با یک لیتر شیر، فقط چهار روز می‌توانند نوزاد را زنده نگهدارند.

**نبود آب آشامیدنی**

افرادی که شاغل هستند داری شانس زیادی می‌باشند. پدر یک خانواده برای من تعریف می‌کرد: "من حداقل یک عایدی دارم. در حدود ۱۴۰ دینار هر ماه حقوق دریافت می‌کنم (در حدود ۵۰ دلار). با این مقدار می‌بایست شکم ۱۳ نفر را سیر کنم که از این تعداد دو نفرشان نوزاد می‌باشند." باید خیلی شانس داشت تا کودکی در خانواده مریض نشود. عملا آب آشامیدنی موجود نیست. امکانات و مواد لازم شیمیایی که بشود با آن آب را تصفیه کرد وجود ندارد. مردم آب رودخانه دجله را بدون تصفیه مصرف می‌کنند؟ بیماری طاعون همه را ضعیف کرده است. آخر چگونه امکان دارد که بچه‌ای در این شرایط در سلامتی کامل بسر برد؟ پشه‌ها هجوم آورده‌اند و بیماری مالاریا در بالای سرشان شیوع پیدا کرده است. از ماه مارس به اینطرف بیماری‌های وبا و تیفوس بی‌داد میکند. یک پزشک عراقی از تجربه تاسف آورش

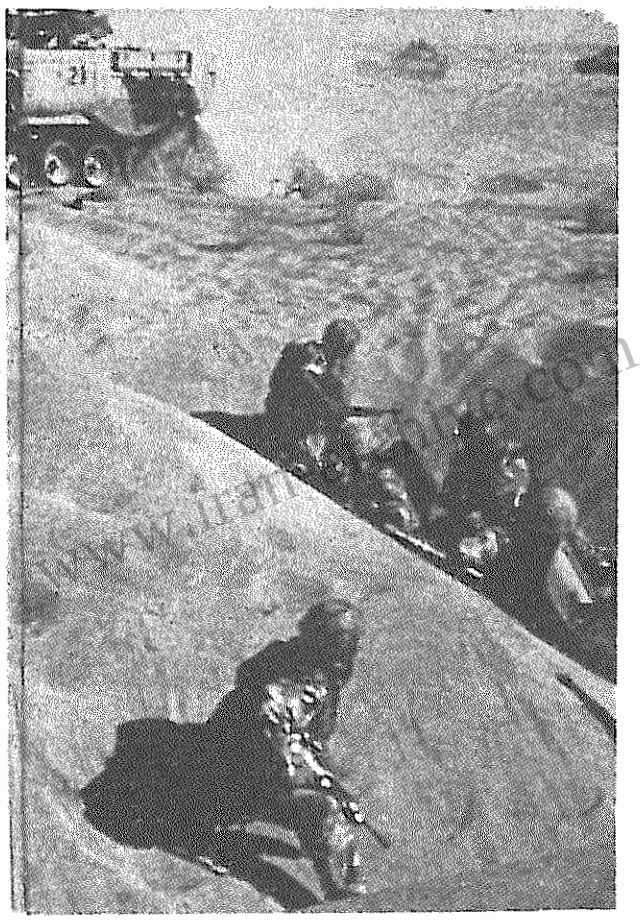

برایم مطالبی را تعریف کرد: "کودکان در دستهای من می‌میرند تنها بخاطر اینکه ما حتی یک قرص آسپرین برای آنها نداریم. تغذیه بد باعث می‌شود که آنها در مقابل کوچکترین عفونت، بدنشان بی‌دفاع شود. تعداد زیادی کودک را دیدم که بر اثر جنون تب مردند!

**مشکلات عصبی و روانی کودکان**

در میان کودکان حمله قلبی و تنگی نفس (آسم) بطور وحشتناکی افزایش یافته است. بخشی از این بیماری‌ها بخاطر بمباران‌ها و بخشی دیگر به‌خاطر بحران‌های عصبی است. بچه‌ها با این وضعیت می‌بایست زندگی کنند. اوایل من این حملات (بیماری‌ها) را با داروئی می‌توانستم معالجه کنم. هنگامیکه این داروها تمام شد اجبارا از داروی آدرنالین استفاده می‌کردم که اگر چه داروی خطرناکی می‌باشد ولی بهتر از هیچ بود. وقتی که هیچ دارویی برایم باقی نمی‌ماند دیگر برای بیماری‌های قلبی و آسم آنها نمی‌توانستم کاری انجام دهم. در آخر این کودکان محکوم به مرگ می‌شدند و می‌مردند زیرا که قلب آنها در مقابل این حملات نمی‌توانست مقاومت کند و این ما را بسیار خشمگین و ناراحت می‌کرد و هر چه بدو بیراه بود نثار عاملین این جنایت می‌کردیم.

**باید کاری انجام داد!**

"پسر من ۲۱ ماهه می‌باشد. هر سر و صدایی باعث ترس او می‌گردد. ما در نزدیکی پل فالوجا زندگی می‌کنیم که در دوران جنگ بشدت بمباران شده است. او از ترس و وحشت بیدار می‌شود. من هیچ کاری نمی‌توانستم انجام دهم. اثرات منفی این شرایط تا مدت‌های طولانی روی این نسل باقی خواهد ماند. در تاریخ ۱۸ سپتامبر همسرم باید دومین بچه‌اش را بدنیا آورد. این زایمان بر روی صندلی صورت خواهد گرفت. من به طرز وحشتناکی می‌ترسم اما جرات نمی‌کنم به او بگویم. اگر فرزندمان تا دو هفته دیگر بدنیا نیاید احتمالا او را سزارین خواهند کرد. من واقعا نمی‌دانم چطور آن را انجام خواهند داد. من تاکنون نتوانسته‌ام مقداری داروی آرامش‌بخش برای او تهیه کنم. من بسیار ناامید هستم."

این مرد دیگر نمیتواند حرفی بزند و به صورت آرام گریه می‌کند و چندین بار از ما عذرخواهی میکند! او از ما تقاضا می‌کند که کاری علیه تحریم اقتصادی انجام دهیم. مواد غذایی و دارو برای عراق فرستاده شود. تحریم همه چیز را از اساس خراب کرده است.

**آیا آمالها زنده خواهند ماند؟**

ما به کردستان نیز رفتیم. آنجا شرایط نه بهتر و نه بدتر بود. ما مدت زیادی را با یک دهقان کرد گفتگو کردیم. بافرور هفتمین فرزندش که چهار روز بود را به ما نشان داد. فرزند او دختر است. خوشبختانه مادر و کودک از سلامتی خوبی برخوردارند. ما آنجا دیگر کسی را بدین شکل ندیدیم. پدر هنوز اسمی برای کودکش انتخاب نکرده بود و از ما خواست اسمی را بر او انتخاب کنیم. من نمی‌توانستم چون عربی و کردی بلد نبودم. بالاخره او را "آمال" صدا کردم. این یکی از چهار اسم عربی بود که می‌دانستم. پدر گفت اسم زیبایی است. سپس او گفت "که مردم عراق احتیاج به همبستگی اروپایی‌ها دارند و ضرورت دارد که امریکا محکومیت عراق را بردارد." تمام مردم می‌خواستند که تحریم اقتصادی از عراق برداشته شود زیرا که هر روز داشتند از بین می‌رفتند. در صورتی که تحریم اقتصادی از عراق برداشته شود بچه‌هایی چون آمال می‌توانند زنده باقی بمانند.

## یلتسین: استعفا نخواهم داد

بقیه از صفحه آخر

کردن راه مناسب برای روسیه، مطالعه کرده است. الگوهای مورد نظر یلتسین عبارتند از لهستان، مجارستان و نیز پرتقال و اسپانیا در دوره پس از دیکتاتوری.

تنها در ماه دسامبر نرخ افزایش قیمت‌ها در روسیه به ۵۰ درصد بالغ شد. روسیه عملا فاقد ذخایر ارزی است. ذخایر طلای روسیه احتمالا به یک دهم میزان اولیه خود رسیده است. کسری بودجه اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ به ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی رسید. در حالی که تا چند سال پیش یک روبل معادل ۱/۸ دلار بود، اینک نرخ رسمی دلار در روسیه ۱۱۰ روبل است. در بازار سیاه، قیمت دلار از این نیز بیشتر است.

گذار از دولت متمرکز شوروی به جامعه دولت‌های مستقل، امر اصلاحات اقتصادی را پیچیده کرده است. با تبدیل بانک دولتی شوروی به بانک مرکزی روسیه، هنوز معلوم نیست سیاست‌های پولی دولت‌های دیگر را چه ارگانی تعیین خواهد کرد. دولت روسیه برای همه کالاها و خدمات، مالیات ارزش اضافی معادل ۲۸ درصد و برای درآمد موسسات اقتصادی، مالیات معادل ۳۲ درصد تعیین کرده است اما کسی نمی‌داند که دولت قادر به اخذ این مالیات خواهد بود یا نه.

قرار است در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۰ درصد موسسات کوچک اقتصادی در روسیه خصوصی شود. همچنین برنامه‌ای تصویب شده است که به موجب آن، مزارع دولتی تقسیم خواهد شد. قرار است در همین ماه برنامه‌ای برای محدود کردن اعتبارات تخصیص یافته به شرکت‌های دولتی اعلام شود. اجرای هم زمان همه این برنامه‌ها، به قول یک مشاور آمریکایی دولت روسیه، "مانند این است که وقتی هنوز دارید چتر نجات را می‌دوزید، از هواپیما بیرون بپرید. اما چاره‌ای ندارند. هواپیما در حال سقوط است."

برخی از مخالفان یلتسین او را متهم می‌کنند که با مردم مانند ابزار آزمایشگاهی رفتار می‌کند. آنها معتقدند که قبل از آزاد شدن قیمت‌ها، می‌بایست سیاست خصوصی کردن موسسات اقتصادی و کاهش هزینه‌های دولتی پیش می‌رفت.

یلتسین در برابر این مخالفت‌ها، چنین استدلال می‌کند که هرگونه اصلاحات ریشه‌ای اقتصادی مستلزم این است که در اجرای آن، سرسختی و شجاعت به کار رود. رئیس جمهور روسیه در پیام سال نوی خود وعده داد که دوره سختی، شش تا هشت ماه بیشتر نخواهد بود.

از نظر همه کارشناسان، این وعده پوچ بیش نیست. در آینده نزدیک، به مشکل تورم مسئله بزرگ بیکاری بر اثر خصوصی شدن موسسات اقتصادی افزوده خواهد شد. جفری ساکس اقتصاد دان آمریکایی که برنامه اصلاحات اقتصادی لهستان را طراحی کرده است، می‌گوید پنج سال طول خواهد کشید تا "دستاوردها آنچنان گسترده و مشهود شوند که مشوق ادامه برنامه اصلاحات گردند." ساکس، هم اکنون مشاور دولت روسیه است. او معتقد است که خطرناکترین دوره، درست در نیمه این مدت پنج ساله خواهد بود.

صرفنظر از اینکه وعده بعبود در شش ماه یا پنج سال آینده داده شود، برای مردم روسیه که باید بیش از دو برابر دستمزد متوسط ماهانه خود را بپردازند تا بتوانند یک کیلوگرم گوشت بخرند، "اصلاحات" به سبک یلتسین یک کابوس خوفناک است.

## در پشت پرده ماجرای گروگانها

بقیه از صفحه آخر

ویت امکانات لجستیکی مانند هواپیما می‌دادند تا او نقش یک عامل منحرف کننده اذهان از آنچه واقعا در جریان بود را ایفا کند: معامله با حکومت ایران بر سر آزادی گروگانها در ازای تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی. همزمان با سفرهای پیاپی ویت به بیروت، مذاکرات پنهان نمایندگان دولت ریگان و رژیم خمینی جریان داشت و هراز چندی، یک گروگان غربی در بیروت آزاد می‌شد. شاید خود ویت هم گمان می‌کرد که آزادی این گروگانها در نتیجه فعالیتهای اوست. اما واقعیت این است که ویت و ماموریت او تنها پوششی بود بر ماجرای بند و بست پنهانی دولت ریگان و رفسنجانی بمثابه نماینده شخص خمینی، به عنوان نمونه، در دوم نوامبر ۱۹۸۶، دو روز پس از تحویل ۵۰۰ موشک ضد تانک تاو به ایران، دیوید جاکوبسن گروگان آمریکائی در بیروت آزاد شد.

تری ویت حتی با رابندگان جاکوبسن ملاقات هم نکرده بود. ژنرال ریچارد سکورد از مقامات دولت ریگان تلفنی از ویت خواسته بود که در ارتباط با آزادی جاکوبسن "در صحنه بماند" به گفته سکورد، تری ویت پاسخ داده بود که "اینکار را با کمال میل انجام می‌دهد"

تری ویت از هنگامی که آزادی خود را باز یافته، درباره این افشاگری‌ها سکوت اختیار کرده است. او نگفته است که چرا در جریان فعالیت خود در نیمه دهه هشتاد حدود ۲۰ بار با الیور نورث ملاقات کرد. تری ویت می‌گوید که در این باره تنها پس از آزادی آخرین گروگان در لبنان سخن خواهد گفت. اگر دو گروگان آلمانی باقی مانده نیز آزاد شوند، ویت دیگر بهانه‌ای برای ادامه سکوت خود نخواهد داشت. مذاکرات پنهان و آشکار بن و تهران نشان می‌دهد که آزادی این دو نیز نزدیک است.

اکنون برخی زمینه‌های چرخش اخیر در ماجرای گروگان‌ها نیز آشکار می‌شود. حزب الله لبنان در سال ۱۳۶۱ توسط علی اکبر محتشمی که در آن زمان سفیر جمهوری اسلامی در سوریه بود، بنیاد گذاشته شد. اما عباس موسوی که حدود شش ماه پیش به دبیر کلی حزب الله برگزیده شد، مشی متفاوتی از اسلاف خود را دنبال می‌کند. او بلافاصله پس از انتخاب خود اظهار داشت: "ماجرای ننگ آور گروگان گیری باید پایان یابد."

تا به حال اسرائیل گمان می‌کرد که شیخ عبید، مشهورترین زندانی لبنانی صهیونیستها که در سال ۱۹۸۹ توسط کماندوهای اسرائیلی با هلی کوپتر ربوده شد، گروگان ارزشمندی است. اما اخیرا رهبری حزب الله در بیروت اعلام کرد که شیخ عبید فرقی با سایر اسرای لبنانی ندارد. برخی ناظران می‌گویند عباس موسوی بدین علت با شیخ عبید میانه چندان خوبی ندارد و در رهایی او تعجیل به خرج نمی‌دهد که شیخ عبید، از طرفداران محتشمی محسوب می‌شود و مخالف رهبری جدید حزب الله است. اگر بازگشت او به تعویق بیافتد، عباس موسوی مواضع خود را در رهبری حزب الله آنچنان تقویت خواهد کرد که برای شیخ عبید جز مسجدی که امام جمعه آن بود، جایی نمی‌ماند.

# یک سال پس از جنگ خلیج فارس

از آغاز تهاجم ارتش آمریکا و متحدان آن به کویت تحت اشغال عراق، یک سال می‌گذرد. از این فاجعه، اکنون دیگر کمتر سخن می‌رود. آنچه که درست یکسال پیش ماه‌ها جهان را در التهاب فرو برد گویی اینک به خاطرات گذشته دور بدل شده است. اما عواقب شوم این تراژدی و رنج‌های عظیم ناشی از آن، هرگز از نظر تاریخ محو نخواهد شد.

اکنون که از این حادثه فاصله گرفته‌ایم، با تعمق بیشتری می‌توانیم درباره زمینه پیدایی آن و انگیزه‌های نهان برای مشتعل شدن آتش جنگ خلیج فارس بیندیشیم. هر چه که زمان جلوتر برود، آشکارتر خواهد شد که چه کسانی این جنگ کثیف را به راه انداختند، چرا فقط بر به اصطلاح راه حل جنگ دست یازیدند و چگونه از طریق آن توطئه‌های خود را به اجرا گذاشتند.

* * *

**''جنگ خلیج''، یک قتل عام بود!**

رمزی کلارک، وزیر دادگستری سابق ایالات متحده آمریکا، اخیرا به افشای نیات پنهان سیاست پردازان امریکایی از راه انداختن جنگ در خلیج فارس برخاسته و به فعالیت‌های قبلی خود در این زمینه شدت بخشیده است. او در تدارک برگزاری تریبون بین المللی پیرامون جنایات جنگی در خلیج فارس، که قرار است در ماه فوریه در نیویورک برگزار شود، نقش فعالی ایفا می‌کند. آنچه که در زیر به نقل از او می‌خوانید، بخشی از سخنان وی در یکی از نشست‌هایی است که جهت تدارک تریبون مزبور در شهر اشتوتگارت آلمان فدرال برگزار شده بود.

''همه آن قوانینی که عراق به هنگام مداخله نظامی در کویت زیر پا نهاد، قبلا توسط ایالات متحده آمریکا به هنگام مداخله نظامی در پاناما به همان صورت زیر پا نهاده شده بود و در آن ماجرا چهار برابر انسان‌هایی که به هنگام حمله به کویت کشته شدند، به قتل رسیده بودند. اما هیچکس از ایالات متحده آمریکا طلب فرامت نکرد. آیا حق در انحصار کسی است که زورش بیشتری دارد؟ ایالات متحده امریکا منتظر فرصتی بود تا به عراق حمله کند. سیاست پردازان امریکایی هر چه از دستشان برمی‌آمد کردند تا از حل مسالمت آمیز مناقشه عراق و کویت ممانعت کنند. طرح‌های هجوم، مدت‌ها قبل از ورشکستگی اقتصادی اتحاد شوروی و عقب نشینی این کشور از افغانستان مهیا شده بود. آنها انتظار زمانی را می‌کشیدند که اتحاد شوروی قابلیت هرگونه واکنش را از دست بدهد تا بتوانند به خلیج هجوم ببرند.

''در کانادا و لیبی نیز ایالات متحده آمریکا تعداد زیادی مردم غیرنظامی را به هلاکت رساند...

''سازمان ملل متحد نه فقط از وسیله ممانعت از جنگ به ابزار جنگ افروزی، بلکه به یک جنایتکار جنگی بدل شد. این سازمان قدرت و نفوذ خود را به ایالات متحده امریکا اعطاء کرد. ایالات متحده امریکا برای جلب اتحاد شوروی هفت میلیارد دلار به این کشور پرداخت و همین مقدار از بدهی‌های مصر را بخشید. هنگامی که یمن در سازمان ملل متحد به حمله نظامی رای منفی داد، ایالات متحده امریکا قراردادهای اقتصادی خود را با این کشور زیر پا گذارد و عربستان سعودی نزدیک به یک میلیون از اهالی یمن را، حتی شبانه از روی تخت‌های بیمارستان‌ها، به زور از کشور بیرون کرد.''

رمزی کلارک با ذکر ارقامی به این نتیجه می‌رسد که: ''جنگ خلیج، جنگ نبود، قتل عام بود.'' و سخنان خود را چنین پایان می‌دهد: ''ما باید قابلیت انسان‌ها برای ویرانگری را مهار کنیم.''

سخنان کوتاه این شخصیت سرشناس امریکایی، جای تامل بسیار دارد.

* * *

در تابستان گذشته، گروهی از پزشکان امریکا و کشورهای اروپا که در سازمان ''پزشکان برای جهان سوم'' عضویت دارند، برای تحقیق از اوضاع اجتماعی عراق

بقیه در صفحه ۹

# یلتسین: استعفا نخواهم داد

باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه اعلام کرد که قصد ندارد در برابر فشار فزاینده اعتراض به سیاست‌های اقتصادی‌اش تسلیم شود. وی در آستانه سفر به جنوب روسیه خواست روسلان کاسبولاتف رئیس پارلمان روسیه مبنی بر استعفای رئیس جمهور را ''موضع احساساتی'' خواند و آن را رد کرد. یلتسین در عین حال اعلام کرد که روز پنجشنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی)، در پارلمان سخنان مفصلی درباره آزاد کردن قیمت‌ها و موقعیتی که این امر ایجاد کرده است، ایراد خواهد کرد. به گزارش تاس، یلتسین گفت: ''من از دولت دفاع خواهم کرد.''

سرگئی شاخرای معاون نخست وزیر روسیه در تلویزیون روسیه اتهامات کاسبولاتف را غیر مسئولانه خواند و افزود باید به دولت فرصت داد تا اصلاح نظام قیمت‌ها را به پایان ببرد. یگور گایدار عضو کابینه روسیه و مسئول اصلاحات اقتصادی، اذعان داشت که در آزاد کردن قیمت‌ها ''تا حدی هرج و مرج'' پیش‌آمده است. وی گفت که قوانین بازار تحت شرایط بسیار دشواری حاکم می‌شود.

رئیس پارلمان روسیه دولت را متهم به ناتوانی در عرصه اقتصاد کرده بود. وی گفته بود اگر یلتسین کابینه را برکنار نکند، پارلمان باید از حق قانونی خود برای انحلال دولت استفاده کند. ولادیمیر شومیکو معاون رئیس پارلمان طی یک نشست هیات رئیسه پارلمان پیش بینی کرد سیاست افزایش کنترل نشده قیمت‌ها به تنش‌های فزاینده اجتماعی خواهد انجامید.

دولت کازاخستان با اشاره به ''نارضایی گسترده'' در میان مردم، تصمیم گرفت بهای نان و شیر دوباره تثبیت شود.

با آزاد شدن قیمت‌ها در روسیه، بهای نان سه الی چهار برابر، قیمت شیر دو برابر، بهای سوسیس و کالباس شش تا هفت برابر، نرخ شکر ۹ برابر، قیمت گوشت گاو هشت تا ۹ برابر و بهای پنیر ۱۷ برابر شد. دولت یلتسین کنترل قیمت‌ها را تنها در مورد معدودی ارقام اساسی مانند نان و بنزین پا برجا نگه داشته است. اما قیمت همین کالاها نیز سه تا چهار برابر بهای قبلی است.

کارشناسان دولت روسیه اعتراف می‌کنند که با اتخاذ سیاست جدید، نخست قیمت‌ها اوج می‌گیرد و حتی کمبودها شدیدتر خواهد شد زیرا مردم در انتظار قیمت‌های باز هم بیشتر، خواهند کوشید کالاهای عرضه شده را به مقدار زیاد خریداری کنند. علیرغم این چشم انداز تیره، دولت روسیه مدعی است که ظرف چند ماه، قیمت‌ها رو به تثبیت شدن خواهد نهاد و کالاهای بیشتری بر مبنای قیمت‌های واقع بینانه عرضه خواهد شد.

برخی از اعضای دیگر جامعه دولت‌های مستقل (ج. د. م.) مانند اوکرائین و بلاروسی با اینکه ترجیح می‌دادند در آزادکردن ناگهانی قیمت‌ها از روسیه تبعیت نکنند، با علم به اینکه در صورت حفظ کنترل قیمت‌ها سیل کالاهایشان به روسیه سرازیر خواهد شد، با بی‌میلی ناچار به پیروی از روسیه شدند.

آزاد کردن قیمت‌ها، تنها بخشی از سیاست ''درمان از طریق وارد آوردن شوک'' است که دولت روسیه برای غلبه بر بحران اقتصادی در پیش گرفته است. یلتسین می‌خواهد اقتصاد بازار را هر چه سریع‌تر بر روسیه حاکم کند. اویگور گایدار، معاون نخست وزیر روسیه را مامور این کار کرده است. گایدار که تنها ۳۵ سال دارد، فارغ التحصیل دانشگاه دولتی مسکو است.

یلتسین در اوایل دسامبر با یک گروه از اقتصاددانان اهل آمریکا، لهستان و شیلی که از آنها برای انجام وظیفه به عنوان مشاوران دولت روسیه دعوت شده است، دیدار کرد. وی در این دیدار گفت که همراه با دستیارانش، تجارب چندین کشور خارجی را برای پیدا

بقیه در صفحه ۹

# پانزدهمین آتش‌بس در یوگسلاوی

در نخستین روزهای سال ۱۹۹۲، سایروس ونس فرستاده ویژه سازمان ملل متحد توانست طرفین جنگ داخلی یوگسلاوی را به انعقاد پانزدهمین موافقت نامه آتش‌بس متقاعد کند. در ماه‌های گذشته، ارتش فدرال یوگسلاوی و نیروهای مسلح جمهوری کرواسی چهارده بار برقراری آتش‌بس را پذیرفته بودند اما هر بار، خاموشی سلاح‌ها چند ساعت بیشتر به طول نیانجامیده بود. پانزدهمین آتش‌بس که تا هنگام تنظیم این گزارش کمابیش رعایت شده است، بر مبنای مفصل‌ترین موافقت نامه‌ای برقرار شد که تاکنون به امضای طرفین رسیده است. سایروس ونس هنگام ترک بلگراد گفت رعایت یا عدم رعایت آتش‌بس، بسته به رفتار رهبران دو طرف جنگ داخلی یوگسلاوی است.

به موجب توافق اخیر، ارتش فدرال و گارد ملی کرواسی باید از مناطق جنگی کرواسی، از جمله منطقه صرب نشین کرائینا، عقب بنشینند. یک نیروی ۱۵ هزار نفری سازمان ملل در این مناطق به مدت شش ماه تحت حفاظت سازمان ملل خواهد بود، مستقر خواهد شد. قبل از استقرار این نیرو، باید آتش‌بس پایدار برقرار شود. پیش‌بینی می‌شود ظرف چند هفته آینده نیروهای سازمان ملل به یوگسلاوی اعزام شوند. اولین گروه ناظران سازمان ملل هفته گذشته وارد بلگراد و زاگرب شد.

روز چهارشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی) جامعه اروپا تصمیم گرفت کرواسی و اسلوونی را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت بشناسد. این تصمیم، به معنای پیش رفتن مشی آلمان در اروپاست.

مهمترین مسئله حل نشده در یوگسلاوی، اختلافات ارضی است. صرب‌ها مرزهای فعلی کرواسی را قبول ندارند و خواهان پیوستن مناطق صرب نشین این جمهوری به صربستان‌اند.

# کناره‌گیری بن جدید و تعویق انتخابات در الجزایر

بقیه از صفحه اول

تعیین شد، ۱۸۸ کرسی را بخود اختصاص دهد. حزب حاکم ''جبهه رهایی بخش ملی'' در مرحله اول انتخابات که روز ۵ دیماه انجام گرفت، تنها ۱۵ کرسی را از آن خود ساخت. ''جبهه نیروهای سوسیالیست'' به رهبری آیت احمد ۲۵ کرسی بدست آورد. قرار بود سرنوشت ۱۹۹ کرسی باقیمانده در مرحله دوم انتخابات تعیین شود.

طبق قانون اساسی الجزایر، پس از کناره گیری رئیس جمهور باید بلافاصله تدارک انتخابات ریاست جمهوری آغاز شود. جبهه نجات در نخستین واکنش خود نسبت به روی کار آمدن ''شورای امنیت''، از مردم و ارتش الجزایر خواست در برابر تصمیمات این شورا مقاومت کنند. جبهه نجات، تعویق انتخابات مرحله دوم را یک تقلب خواند.

شورای امنیت حاکم بر الجزایر، از مقامات نظامی و غیر نظامی تشکیل شده است. این شورا در نخستین اقدام خود پس از بدست گرفتن قدرت، واحدهای ارتش را به خیابانهای الجزیره فرستاد. نظامیان کنترل نقاط حساس شهر را در دست دارند. با این حال در الجزایر حکومت نظامی اعلام نشده است و مطبوعات هنوز تحت سانسور قرار نگرفته‌اند.

پس از اعلام نتایج مرحله اول انتخابات، در الجزایر واکنش‌هایی توام با نگرانی از امکان قدرت گیری بنیادگرایان اسلامی ابراز شد. روز ۱۲ دیماه به دعوت جبهه نیروهای سوسیالیست و برخی دیگر از سازمانهای سیاسی و اجتماعی، سیصد هزار نفر در الجزیره دست به تظاهرات علیه بنیادگرایی زدند. دولت تحت فشار این اعتراضات اعلام کرد که به شکایات علیه نحوه برگزاری انتخابات در حوزه‌هایی که کاندیداهای جبهه نجات در آن‌ها برنده شدند، رسیدگی خواهد کرد.

در حالیکه پیروزی بنیاد گرایان اسلامی در مرحله اول انتخابات پارلمانی الجزایر تقریبا در همه کشورهای جهان با نگرانی نسبت به سرنوشت دمکراسی و امکان پدید آمدن یک جمهوری اسلامی دیگر در شمال آفریقا مواجه شد، تحول اخیر الجزایر و تعویق انتخابات این کشور از سوی همه کشورها و نیروهای سیاسی به دقت دنبال می‌شود. بسیاری از ناظران، آینده سیاسی الجزایر را در کرو رفتار نظامیان در هفته‌های آینده می‌دانند. اگر ارتش الجزایر از موقعیت ایجاد شده به نفع احیای دیکتاتوری و قطع روند دمکراتیزه کردن حیات سیاسی الجزایر سوء استفاده کند، علاوه بر بنیادگرایان با مخالفت نیروهای چپ و دمکراتیک الجزایر و افکار عمومی جهان روبرو خواهد شد.

در ایران، رژیم فقها از نتیجه انتخابات مرحله اول در الجزایر به گرمی استقبال کرد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی پیامی، پیروزی جبهه نجات را تبریک گفتند. رادیو تلویزیون و مطبوعات جمهوری اسلامی تبلیغات وسیعی پیرامون موفقیت بنیادگرایان در الجزایر براه انداختند. خامنه‌ای روز یازده دی طی نطقی در بوشهر گفت: ''رای مردم الجزایر به اسلام... حادثه عظیمی است که رشد و گسترش اسلام... را نشان می‌دهد.'' وی افزود: ''از آنجاکه ملت الجزایر، اسلام و نظام اسلامی را انتخاب کرده است، محافل سیاسی وابسته به استکبار و رسانه‌های خبری صهیونیستی با وقاحت تمام، فریاد پایمال شدن دمکراسی در الجزایر را سر داده‌اند و این در حالی است که مردم مسلمان آن کشور در واضح‌ترین نوع دمکراسی به اسلام رای داده‌اند.'' (به نقل از اطلاعات ۱۲ دی).

به عقیده تحلیل گران، نتیجه مرحله اول انتخابات پارلمانی الجزایر بیش از آنکه رای مثبت به بنیادگرائی باشد، رای منفی به سی سال حکومت تک حزبی ''جبهه

بقیه در صفحه ۹

# لبنان: در پشت پرده ماجرای گروگانها

همزمان با آزادی تری ویت، فرستاده اسقف اعظم کلیسای کانتربری، که نزدیک به پنج سال در اسارت گروگان گیران لبنان بود، در رسانه‌های گروهی غربی اخباری انتشار یافت که همکاری دانسته یا ندانسته تری ویت با سرویس‌های امنیتی آمریکائی را تائید می‌کند.

تری ویت در ژانویه ۱۹۸۷ به بیروت رفته بود تا درباره آزادی گروگانهای غربی با گروههای افراطی شیعه مذاکره کند. اما ویت حامل چیز دیگری نیز بود. الیور نورث، یکی از مقامات وقت شورای امنیت ملی آمریکا که نام او با ماجرای ایران گیت بر سرزبانها افتاد، به تری ویت یک فرستنده کوچک و مخفی داده بود تا تری ویت آنرا در کمربند خود پنهان کند. این فرستنده علائمی می‌فرستاد که از سوی یک ماهواره قابل تشخیص و ردیابی بودند. وقتی ویت به دیدار طرفهای مذاکره خود رفت، افراد مسلح شیعه فرستنده را یافتند و همین امر به اسارت ویت انجامید.

نکته دیگری که در گزارشهای اخیر مطبوعات بازتاب یافته، این است که در نیمه دهه هشتاد تری ویت برخلاف آنچه می‌نمود، نقشی در آزادی گروگانهای لبنانی نداشت. الیور نورث و همکاران او در شورای امنیت ملی آمریکا به

بقیه در صفحه ۹

برای اشتراک نشریه ''کار'' در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

| | | اروپا | دیگر نقاط |
|---|---|---|---|
| بهای اشتراک نشریه ''کار'' | ○ شش ماهه | ۴۵ مارک | ۵۲ مارک |
| | ○ یک ساله | ۹۰ مارک | ۱۰۴ مارک |

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR
No 27
22. Jan 1992

ارگان مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حساب بانکی:
M.ABD
NR-35263011
کد بانک:
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

www.iranarchive.com